

# حقیقت

شماره ۸۵۵ ۲۷ مرداد ۱۳۵۹

۲۸ مرداد ۳۲ را بیاید  
بیاورید، ۲۸ مردادهای  
دیگر هم میتوانند رخ دهد  
(دنباله از شماره پیشین)

## در حاشیه انتخاب نخست وزیر

تا آنقدری از یکی دو هفتسه  
گفتش میان سیدضرو و حزب جمهوری  
ایالتی، آقای محمد علی رجایی،  
شیران تخت وزیر به مجلس اسلامی  
مجلسی تدوین کرد ۱۵۳ رای موافق  
این بنا بر اینست آورد. این آقای  
رجایی همان کسی است که در سال  
گذشته بعضی سخن بر سر دستور  
آموزش و پرورش فرمان موسوعیت  
سخت و مخالفت میا می را در مدارس  
تا در کرد و همان کسی است که زبیر  
بفروش تا بحال مدعا دیبر و معلم مبارز  
و سرتری "نصیه" و "پاکسازی"  
تده اند. این آقای رجایی همان  
سی است که در جریان انتخابات  
مجلس، رای هائی که برای رجسوی  
مستورن ها ریخته میشد را بنا مستورن

کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تنها  
نکته برای بورژوازی ملی و حکومت  
ت دکتر معدق نبود، بلکه همچنین  
شکست مهمی برای جنبش کارگری  
و جریانی "نوده ای" غالب بر آن  
یعنی حزب توده بود و مایعات عظیمی  
برای مسلک کمونیسم و هواداران آن  
در کشور ما به آراورد. حزب توده در  
یکی از چرخش های تعیین کننده تا  
ریخ سما مرکز و ما ورتکستی خود،  
کده روانع ورتکستی فرمت ظلمی  
و هوچی گیری خرد بورژوازی حاکم بر  
آن بود. بنصه ظهور رساند. البته  
این بار اول نبود، بلکه بار تعیین  
کننده، بار در تعیین کننده، بسود.

## چه کسانی از انزوای انقلاب ایران وحشت دارند؟

مردم ایران علیه وابستگی های  
اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی  
هنکی کشور به امپریالیسم ویا برجسی  
موضکیبری های توده های عظیم مردم  
در نظامها و راهبیمانی ها و  
ایستادگی رسمی از جمعیت های  
دینفونملی در برابر قدرت نهادنسان  
و رنگا رنگ بشریت ستمیده به انزوای  
انقلاب و تکست جنبش منحرک برود  
مبادا ما همراه اقتصادای غارتگران  
آمریکائی و متحدینشان (که البته  
نصیه در صفحه ۶

امروز محافل زیاده از زیاده  
"انزوای" انقلاب ایران در مردم  
جهاش اظهار رنگرانی میکنند. آنها  
داشما هندا رسیدند که مبادا ما رزه

## اطلام جرم علیه ظلم پرکنندگان ساوا

دستمال کتف توطئه کودتای  
آمریکائی در ارتش شاه و روشن  
شدن بعضی فعال سازمان امنیت در  
این کودتا، گویا فریشتی مباد و هام  
بجعه افکنده سر مغزای کوچک سر  
سدا را از جمهوری اسلامی وارد شده  
و محسوم گرفته اند اما می سرخسی از  
برای مل ساواک را اعلام کنند، امنیت  
که حال پس از یکسال و نیم که از  
قیام شکوهند طبق میگردد. و پس از  
آنکه اعتراضاتی که علیه سرخسورد  
جمهوری اسلامی به این وحتنسا گ  
ترین ابزار اعمال ترور و غلبه انسان  
اسیربالمیتها در ایران صورت گرفته  
تا ره شاه ااطلام ما می بساره ای از  
نصیه در صفحه ۸۰

اخراج  
ساواکیهای  
مزدور، آری  
توطئه برای  
اخراج  
کارگران  
مبارز،  
هرگز!  
صفحه ۷

درباره راهپیمائی  
روز قدس  
راهپیمائی روز قدس را به یکریشان داد که مردم ما کماکان بختنسان  
جنبش انقلابی فلسطین اند. و فلسطین کماکان جا نگاه ویژه خود را در فلسطین  
مردم ما روز ما حفظ کرده است  
نصیه در صفحه ۴

# حاشیه انتخاب نخست وزیر

ارمنده اول

نخست وزیر و سرور رئیس جمهور محبت شده  
مرا بود که پیش نموده ولی این مسأله  
شکل در زورنا مه انقلاب اسلامی بخش  
شده بود. مسئله آقای رجایی فسرار  
شده پیش بود. اطلاعات بدوشنبه ۲۰  
مرداد ۵۷ (۲۰) همین جا با مدارا پس

آقایان پرسید که این چه مجلس و چه  
"خانه ملت" است که مردم محسوب  
ندارند از مذاکراتش مطلع شوند و  
کارهایش را سخنان خود را از چشم مردم  
انجام میدهد. این چه مسأله "راجم" است  
به نخست وزیر و رئیس جمهور بوده که  
قرار بوده "بخش نبود"، "مسئله آقای  
رجایی چیست که قرار بوده "بخش نشود"  
مها فل جا که از مردم میترسند و از همین  
رو نمیخواهند آنها در جریان تمام امور  
باشند و از کم و کوفت لغایب بگردانند.  
چون دستشان رو خواهد شد آقای نجیب  
مدرهم هر وقت در اقلیت می افتد و بیست  
حمایت مردم نیامد می شود بیست  
عبدشکنی افتاده بخش از مسائل را  
برای بهره برداری شخصی فاش می  
سازد. ولادت کسی از دیگران  
ندارد.

حقیقت امر اینست که کشمکش  
میان جناح بنی صدر و حزب جمهوری  
اسلامی بر سر مسئله نخست وزیر است  
اینجا منافع حزب جمهوری اسلامی تمام  
شده است و این حزب موفق شده است  
که نندید مورد نظر خویش (البته نسبی  
که نندید شماره اول خود) را بدینی -  
صدر "تعمیل" نماید. حزب جمهوری  
اسلامی اکثریت مجلس ادراختیار  
دارد و نخست وزیر بر سر میزاید تا مثل  
این مجلس را به دست آورد. مسأله  
طرف دیگر رئیس جمهور کسی است که  
با بدینصورت وزیر را به مجلس معرفی  
کند. یعنی اگر او معرفی نکند  
مجلس هم نمیتواند رای دهد و اگر  
مجلس رای شده نخست وزیر انتخاب  
نمواهد شد. تا اینجا ای کار را بصدور  
(مجلس و ریاست جمهوری) از اینبارت  
بسیار مشترکی برخوردارند و یکسری  
بدون دیگری نمیتوانند نخست وزیر را  
تعمین نمایند. لکن نطق اخیراً بیست  
الهی مینوی و عملات ایشان بر علیه  
"لبرال ها" و گذاشتن محارهای  
چون "فاطم و مکتبی" گفته ترازو را  
بنفع حزب جمهوری اسلامی برگرداند  
نیده و بنی صدر را در همه جا نگاه  
است. بنی صدر میگوید "کرم بنیام  
بردموا و این حرفها بود و بیگسی راه  
خوبی داشتیم. هم با حزب میتوانستیم

رئیس را احراز "مکتبی" شده به مکتب  
حزب جمهوری اسلامی پیوسته و  
نخست وزیر شدن را نیز از همین جا  
در بند. گفتند که میخواهند نخست وزیر  
مرا را انقلابی قاطع و مکتبی  
انتخاب کنند. رجایی آراب در آمد  
و در جناح اینک میخواهند نخست  
وزیر بنی صدر را غیر انقلابی و غیر  
مکتبی انتخاب کنند! البته آقای  
رجایی نیز بر محاسن بالا از این  
سورسور حوردا راست که همراه آقای  
محمد جواد با هنر و بیست عشق و بیست  
مدرسه "تیرکت با زرگان" و ساختن  
اهداف (سهای خاص) بوده و اخیراً  
تیزبخت رئیس هیئت مدیره این  
شرکت انتخاب شده است و در این شرکت  
خبر است. دارد و خرج و دخلشان یکی  
است.

انتخاب رجایی با دیگران شکارا  
عشق سخنان موجود در مقابل خاکه را  
شان میدهد. بنی صدر میگوید رجایی  
را "حطین" (یعنی حزب جمهوری اسلام  
یعنی "تعمیل" کرده است و من  
"تعمیل" او را نخواهم پذیرفت.  
و آقای علم الهدی "نماینده محترم"  
از بدین (از حزب جمهوری اسلامی)  
گفته است که با این حساب "ارسطو  
شور را محکوم هستیم و در این  
سخنان (بنی صدر) همه مسئولیتها و  
تعمیرات را بگردن مجلس خواهند  
گذاشت" (جمهوری اسلامی، دوشنبه ۲۰  
مرداد ۵۷) و آقای اماری "نمایند  
محترم" روند نیز اینست که  
"رای گذاشتن بر مجلس خلع و در کرده  
بنی صدر و اعلام نمایندگان حزب  
جمهوری اسلامی که قرار بوده "با تمام  
وزیر رجایی حمایت کنند و بخوبی  
کارش مرمی نامه بنی صدر را بهانه  
کرده و با ستاره پس گرفتن آن شده اند  
تا شرافتیه را این قرار بوده که در یک  
جایگاه "صومی" نمایندگان ملت  
مرا را نشانی زده اند و رای هاشی داده -  
ایده که قرار نبوده "ملت" بدانند ولی  
آقای بنی صدر "مهدشکنی" کرده است  
و بنجل آقای فلاحتین عقان "نمایند  
محترم" حزب جمهوری اسلامی در  
بنی صدر "مسأله" که راجع به

دعوا راه سنا دارم و هم ما مجلس است  
ایستاد بود: شروع میکرد یک مدتی  
نخست وزیر همین کردن آنها هم رد  
میکردند. درسته؟ دیگر بنیام از اینست  
همیشه چند نفر از دیگران آمدند تا  
انه ۲۶ میلیون جمعیت داره ایران  
لاکن "من بنا به تصدیق مجلس نبود و  
نیست" و "این است که این کار را  
نکردیم و مسأله کنونی و مسأله انقلاب شما  
نمایند" (انقلاب اسلامی، یکشنبه ۱۹  
مرداد ۵۷) اما در واقع این  
"مجلس" اندیشی آقای بنی صدر  
بر میگردد به موقعیت کنونی است  
محارهای که آیت الله خمینی تعیین  
کرده و گفته قرار است حزب جمهوری  
اسلامی یا بنیام بوده. همین اقدام  
با عت آن میگردد که آقای نجیبی که  
مدتی تا من بموازن کار نندید نخست  
وزیر بر سر میزاید بود. "مشاوره"  
را پیش بکشند و بگویند که دلیل کنار  
گرفتن از کار نندید بنیام نخست وزیر  
آنست که "مشاوره" کرده و "تعمیل"  
آورده است (جمهوری اسلامی، ۱۹ مرداد)  
هم این "تعمیل" آوردن ما هم آن "مجلس"  
تکه خواهد شد.

## انحلال شورای اسلامی

بدین طریق کارگران را از محنه سیاسی  
تفاوتی سیاسی کشیده شوند بدین وسیله کودتا  
تفاوتی سیاسی به نفع خود بهره برداری  
کنند و کودتا بر مستر این سازمانی و  
بی تفاوتی سوار شود. اگر دوستان  
شما یک طبقه در یک شکل طبقاتی خود  
مقابل کودتا چنان بولسوی است  
آن اتحادیه کارگران بولسوی بود.  
مندا انقلابی انحلال شورای مرکزی  
این سنگرمینا رزه و مقابلهت کارگران  
ارشیاط نزدیک با زندگی همه ما  
دارد و انحلال کند.

کارگران ما را! این وحدت یعنی  
شورای ما نیست بلکه یک سیاست سر تا  
پوش نه جنبش کارگری در پیش گرفته  
مسارزه و حمایت کارگران را بپذیرید.  
همچنین انحلال شورای گسترش  
نقیبه شوراها یا هوار و بیشتر شوراها  
و شپراز این بنیام همگی ما یک نوع  
مورد به روش قرار گرفتند. آیا شورای  
حائیت است و یا ما کارکنان شرکت نفت  
است یا مدتی دادستان انقلاب؟ آیا  
انتخاب کردیم؟ انقلابی ما دینی و روحانیت  
باشد؟ خیر این شورای ما که تاکنون  
بود و آقایان تازه قدرت رسیده که  
ما را

ما عده ای از کارکنان شرکت نفت  
خود را با قبول ندا ریم که ما کارکنان  
شپورا و نمایندگان ما رزمه خوا  
ما است.

هر چه متحد و مستحکم تر شورای اسلامی  
پا بدارد و شوراهای کارگری این  
کودتا ما دست خدا انقلابی  
عده ای از کارکنان شرکت نفت  
۱۲۵۹/۵/۱۲



### ۴۸ مرداد ۳۴ را یاد بیاورید، ۴۸ مردادهای دیگر هم میتوانند رخ دهند

اراده، رنجبران بحساب میآورد و در استعاره ها دعای بسیار داشت. رهبری حزب بوده در آن زمان، که هنوز ندانده هائی از ایشان دست از سر مردم این کشور بر سید آورده. دعوی رهبری حسی مردم را داشت و در عرصه، بیگانه را ارضاع و امیرالاسم کسی را امین سر و هوش را برآورد همی شناخت و دیگران را نطقه میگرد. لیکن ارتجاعی میبرد تا نیمه در روزهای شوم مرداد ۳۴ بسا همه، آشکاری به این عرصهها نهاد و حال آنکه حضرات رهبری حزب نامبرده تا همه، لوط یکنی هیچ واکنشی جسر تلقین به معدن و کتب تکلیف از ایشان و بعد خود بهما حقی و وارادگی از خود ستان ندادند. و بعد از آنها هوجی - کزی در میان توده ها و کزگری خواندن در برابر دیگران بگورزه جنبش را به ریورکمه خون آلود کودتا همان رهساز کرده و جردگر بیخشد.

رهبران حزب شده بعد از همین اعتراضات بیاراه ای از کتا همان وصفات نگزیده، خویش - کدالیت همه را به سرع بین گرفتند، تفرقه و عدم وحدت نیروهای ملی را علت اصلی تنگنست بنا امیرالاسمی و دیوکرانیکه سال - های ۳۲ - ۲۹ قلمداد کردند. طرحهای مختلف و دعوت های بی شماری برای تشدید حزب با شده برای ما مصلحان آنها دیبروهای ملی و تشکیل جبهه - های متحد در آنها یی شد، و تا بهینه امروز، ظاهرا بعنوان جمع بندی نتایج، یعنی آن سالها توسط حضرات مرشد مگرد. لیکن علت اصلی، تفرقه و نبود وحدت نبود. از این اتفاقها و سببها، که امثال این مارهسبران با به کدالیت یافتند. در جا های دیسکتر بوده ولی نتیجه، همان بوده است. علت اصلی، عدم تمعیه و بیگانه سازی حسی بنا امیرالاسمی و دیوکرانیکه سالهای ۳۲ - ۲۹ از فرصت طلبان، تفرقه مویان، هوجی ها و جاه طلبانسی بود که چون که بیوجنیتها و تشکیلات - های مردم پسیده و از بدترین نمونه ها میان همین رهبری حزب بنا مسروده بزدند. این تمعیه و بیگانه سازی باید در

بنا مسروده و هوجی ها، دیوکرانیکه شری و جب و هوجی در میان سرروهسبای مسست به بیورزوری ملی و دیسکتران صورت مگردت. علاوه بر این که نبود نسبت ها و اختلافیون اینسوان در آن زمان تمعیه در حزب بوده و حسی

بنا مسروده و هوجی ها، دیوکرانیکه شری و جب و هوجی در میان سرروهسبای مسست به بیورزوری ملی و دیسکتران صورت مگردت. علاوه بر این که نبود نسبت ها و اختلافیون اینسوان در آن زمان تمعیه در حزب بوده و حسی

نوعه، بیخورد رهبری حزب شده به داستان امتیاز زینت شمال در سال ۱۳۲۳ (یا اواخر جنگ جهانی دوم) و سپس در سالهای ۲۵ - ۱۳۲۴ و طرح نظریه، فدرالی "توازن" توسط ایشان، بیگانگی این انشا رهبری و لتری را نسبت به مماله، ملی ایران با بر ملا کرد. احسان ظیری، ارتزوری حمل کندهای معروف حزب، در همان مسائل ۲۳ نظردسته، خود را در این زمینسه چنین طرح کرده بود که "منفده" دسته ای که منجمد در آن دسته قرار دارم است که دولت بیوریت برای امتسازت شمال به بیوروی و منجمد به کمیابهای آمریکا و انگلیسی وارد مگردت. و روزنامه، رهبری ارکان حزب با مسروده در دفاع از "حرم است" همانا که قلمبرمانی کرد. همین چند جمله از مجموعه، محیم نرم آوری که در اثبات این قلم با به زبان و لطمه آوردند که نیست ستان دهد که این دسته دارای یک رهبری ملی بسرود و اردو هائی که بلنضای سنندیده را به مشورعیان بر مینا تکبیر باک سی بهره بسود.

رهبری حزب شده در تمام سی دوره، بیخوش و بیخوش دوارده ساله ملی مردم ایران دست نگذارد، بیخیم سرزدند امیرالاسمی ملت بنمیدند، ما را به اجتناب از در مینا آورد و آنچه هم که بیخیم هائی در این زمینسه به هشدار در آورد بیخوردی و از به دل از موضع رهائی ملی و بیاروری و بر بلندی ملت

مادران ملی را مالم نبود. و بر سر بنا دشمنان ملی سنندیده و امیرالاسمی را بیگانه نمود. بلکه از حرکت برده و او را قلم طلبانه، انسان در عرصه، بیگانه میان دوار و کتا، سرچشمه مگردت (در آن زمان هنوز دوار و کتا، جدا مینا وجود مینا است) نگاه آنها همه به خارج بسود و در آنجا نقطه، انکا، هود را میندند و مویان بنا امیرالاسمی و انسان را زمین مگردت. دیسکترانسی کسورهای مویان لاسمی اینرمان و ممال لاسمی تا کسکی مماله و ممالرره آنها هر چه بود، همان عرصه به عرصه، مسارره در کشور ما سطح داده بسود و حسی شده مگردت. آنها در فرموله کسورده نظریات فرصت طلبانه و هوجی سرورده، نه ای که بعدها در حوض مکار رهبری احزاب کارگری در کسورهای مختلف فرموله ماعت، جدا و هوجی کسور بسود.

آنان در سب در همان زمانس که عرصه های حاصله ارتجاع ممال و استکانات مفاع در مجلس ۱۵ بر سر مماله نفت جسنی جدا مویان لاسمی مردم ایران سرای ملی کردن صنعت نفت را شعله و ساحت، تمام جوانان معمول جمع آوری امماله های سی - خاصیت برای ساخته، ملج استکلم بود. برای ایشان جنس صنایع آوری افتاد، برای ملان بیابانه یک حسی واقعی بود، ولی جنبش که از اعما مماله، ما بر علیه امیرالاسمی غارتگرانگیس بیابا خاسه و همسه، امیرالاسمی را به ممالی بیوی حسی آلردی غلبه مردم ما برانگیخته بود. واقعی بیو و بلنگه ارتجاع را "ارتجاع" شده های ملت بود "ارتجاع" صحیح و عمومی احساسی، رهبری حزب بوده، ارمان اسد او ما مدینه، تا پس ارتوفنه مل دکتر ممال در ۱۹ اسفند ۳۱ و کتا مماله مگردت در دیسورکا بیوری امیرالاسمی ها در ارتکره بود، به انواع سببها و توجیهات مسرود، به سخطه جنسیس عمومی جدا مویان لاسمی و بیگانه بیورده برای ملی کردن صنعت نفت پرداخت و در جهت اسزوی طبقه، کارگری و حسی مهمی از مسارران راه آزادی ایران ارتحش عمومی ملی کوسد، در اساسی دوره، بیخوش و بیخوش دوارده ساله ملی مردم ایران دست نگذارد، بیخیم سرزدند امیرالاسمی ملت بنمیدند، ما را به اجتناب از در مینا آورد و آنچه هم که بیخیم هائی در این زمینسه به هشدار در آورد بیخوردی و از به دل از موضع رهائی ملی و بیاروری و بر بلندی ملت

# ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را یادید و آوردید

از صفحه ۲

نه "و بدست پیرمردمکاری که نسیم فرن است به اغفال و فریب غلطی مشغول است"، تبدیل گردید. بزم رهبری حزب شده جنبش فدا مهربان - لیستی مردم ایران "بازی، موش و گربه" و "عصه شب بازی" خود شرکت انگلیسی سخت بود، و کویا مردم را از مسر "مبا - رزه با هیئت حاکمه" و تحقیق حاکمیت ملت بر سر نوشت هوش (یعنی کسب قدرت سیاسی) منحرف میساخت؛ حال آنکه واقعیات نشان داد که اولاً این جنبش بسیار واقعی و روحیاتی شراز اشتغالات اگونومیمتی و نگرانی های حضرات برای صلح جهانی، بعداً مهربان - لیسیم جهانی و با بدین در کشور ما نرسه میزد، و نشانها بروز مینه، همین جنبش و در سیر تکامل منطقی آن بود که سه توده های هر چه وسیعتری از ملت به سه صورت سرنگونی هبات حاکمه ارتجاع - عی و درباری برده و پیران ۲۰هـ نیسیر ۱۳۳۱ بطور واقعی و عملی با مالسه حاکمیت روبرو گردیدند.

تا که بدینکجا نرسه و غلوا میزدسته حاکم بر حزب شده بر سازنگار ریه های بورژوازی ملی و جنبه های فئودال - کراتیک و نمابلات مدکومونستی حکوم - ست دکتور ممدق و شعور اینکه کسبویا تنافسی با هوی میان جریسسان انجمنای - سیاسی معدنی و جناح های اوساعی فئودال - کمیرادوری حاکم وجود داشته و طبقه کارگر تنها بدینا - سیات متعاقباتی را با آن برقرار مارد، عملاً حزب و توده هوادارانرا از تمرکز قوا برای "فره زدن" دشمنان اصلی ملت و از حواس جمعی در موافقی که شرایط رهن چنین فریاتی از هر لحاظ مهیا میگفت، محسوسوم ساخت و علاوه حل مسئله، اتحاد نیرو - های ملی را هر چه پیچیده تر و شوارتر کردانید.

داد و قال های "چپ نمایانده" رهبری حزب در باره انقلاب و کسب قدرت سیاسی و مبارزات "واقعی" و "مطامع" و گذا، همیشه برای خودشان و در برابر نیروهای رفیق غیر پیرو - لیری ولی خلقی بود، لیکن در برابر

نیروهای ضد خلقی دشمن برنامهای مکرر برای منازله و مجلس بازی و کسب جوارفا نونیت برای ایجاد اصطلاح تحولات دموکراتیک در انبیا ننداشتند و همیشه در اوضاع انقلابی و در شرایطی که یک شهر دقطنی میان خلق و فدا خلق

طرح میکشت، در مواقع چرخش های بزرگ اجتماعی و طبقاتی، نشان میدادند که تریجه های بویکی بیسش نیستند، نمونه آن روش کمالاً منحصر و خاشنا نه، ایشان در برخورد به شرایط بحرانی و فوفا نرای ماله های بسلا - فامله پس از جنگ جهانی دوم (۱۳۲۵ - ۱۳۲۲) بود، که بقول خودشان چندا نقش "دریچه" اطمینان را بر سر برای دیگر بجا و در حال انفجاری که مجموعه حاکمیت طبقات ارتجاعی و ایسادی امیریا لیسیم را تهدید میکرد، ایسلا کردند، و انقلاب را در آرزو چند مفام وزارت و وعده چندگرمی و کالست فروختند، همانطور که همالکی ها - بیان در آذربایجان نیز در همان زمان بجا طرفدوای بر سر زبان آذربایجانی و کسب خود مفاخری در چارچوب ایسرا ن محمد رضا شاه با هر کس و تا کمی سه بندوبست نشنند، با غمناقی را فدای با فچه گویا خود کردند، طغیان جوشا - نی را که هیچ ربطی به حرکت سیاسی آنها نداشت فدای مصالح بیسن - المللی گردانیدند و در سیر بزنگار، رها کردند و رفتند، وقتی غلبیدند، کسه چه بگوئیم! حضرات نا رهبران حزب توده که با قوام السلطنه آدمکش و خاشسن کنا را بینه ولی با دکتور ممدق که دستکم مین پرستی و سابق مخالفش ساسا استبداد مطلقه برای ایشان عیسان بود کنا رنیا بند، کجا به فکر انقلاب و رها نشی ملت محروم توانند بود، اقوام السلطنه به آنها وعده "آزادی های دموکراتیک" و جوارفا نونیت وحشی اجاره شرکت در دولت میداد، ولیسی دکتور ممدق انحصار مطلق میگرد و در حالیکه با ارتجاع معاشرات میگرد سه جنبش چپ با بدکمانی میخوردیستند، این طرز طرح مسئله و در نتیجه این منطق بود که حرکت و سیاستهای خوش - ظا هر چه باطن حضرات مورد بحث را تعیین کرد؛ دیگر بررسی باطن و ما - هیئت قضا با، بسوابی هر یک از نیروها و منافع حرکت سیاسی این بیسلا ن نیرو با تکمیل اجتماعی از نظر نگاه مبارزه طبقه کار و مردم ایران

برای رها نشی ملی و دموکراسی مطرح نبود، رزم آرا هم چون همین کرشمه ها را میرفت امکان تماشای و منا زله بسا ایشان را پیدا میکرد؛ و در آستانه سه قیامی شهرم، که توده حزبی علیرغم خواست ایشان با بمیدان مبارزه دلیرانه گذارد، و ارتباطات دوطرفه آقا با ن با هر دو طرف دعوا، که کدام ممکن است وعده توغالی بر سرای "آزادی" دهد، در دستور کار نبود، پس چه انتظاری که ایشان که همیشه جواسنان برای حادثه آفرینی های "فدامیر -

مالیستی واقعی" و "مبارزه" صحیح و عمیق اجتماعی" در زمان حکومت معنی جمع بود و نگران انحراف مردم از مسر ما روه، رینه های برای سبک حکومت خلق بودند، در زمان بورس ارتجاع و امیریا لیسیم و کودتای مرداد ۳۲ حادثه ای بسیار پستند و امیریا لیسیم و کودتای مرداد تا مستولانه و نا جوانمردانه ارگنر است، مسئله حاکمیت، که بطور حادی در دستور و رفتار گرفته، انگدر سدر نگریزند.

برای حادثه آفرینی های "فدامیر - ادامه دارد

## کارگران

اقتضای کارگران را به عقب انداختن که شامل طبقه بندی و حق فنی می - شود که بعداً از برای کارگران مزبور توضیح خواهم داد و خواستادن کار - خانه ها را یکی پس از دیگری به این نحوه کردن کارگران می انداختند که کارگران کار نمیکنند و این یک شمار بیوج و توغالی است که مدیریت وهم - چنین دولت میدهد، شما کارگران به این مسئله آگاهند، که شما متولد را کارگرانجام میدهد.

ما کارگران که در طول این ففده ماه گذشته خودمان سخاوتیم سیاسی مدیران رضوانها و مثالهم را تحفه کنیم ولی نفوذ زبانی در شورا ها کرده بودند و منافع این تحفه میشوند، کلا بعد از مبارزه بر سر مدیران سابق سه درون دفا ترخیزیده و به خواب زمستانی فرو رفتند و به حواسته های سرخ کار - گران توجهی نمیگردند، همیشه در اطفا ن بسته بود و کارگران را به درون راه نمیدادند.

تا اینکه آیت الله خمینی بیامی معنی برای اینکه با بد ظا غوب زداسی شود و شما کارخانه ها و ادارات پاکسازی شود، از تهران یک هیئت پاکسازی فرستاده شد.

با زاین مدیران ظا غوبی و عملان آشکارا به درون همان اطایهای در بسته که متعلق به شورا بوده و شده بود با شوق مدیران، سرزند، مارد رباره پاکسازی از بهیران نظر خواسته میشوند؛ کارگران - بای اس هیئت پاک سازی را به آلفا آلفا (محل فونکذرائی مدیران، جهاسی جه حال) باز کردند، و وقتی که کارگران به هیئت پاکسازی مراجعه میکردند و آسها میخواستند که این مدیران و ما و اکیها پاکسازی شوند و میخواستند که اس مدیران در کارخانه اغلال میکنند و خدا نقلات هستند و عملاً به نفع استر - با لیسیم خدمت میکنند و این نظامی که سرکارخانه مسلط است با بد دیگر کسبون شود (چون مدیران برای خود با ندهایی با سرپرستان درست کرده و سر علیه کارگران به دسینه چینی میشوند) این حرکت کارگران بهت مدیران را لروا شد، و مدیرکل گروه که یک حزب توده ای کشف و ستمام معنی جاش به اس خلق شده است اعلامیه ای در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲۲ معنی برای اینکه اگر کار - گران بهلوی هیئت پاکسازی میابند و خواستار تمغه انقلابی شوند هر چه سرج میشود، به این میگوئید هر چه سرج ؟ پس مملکت مدیریت و اس شورا را در عرض این ففده ماه چه میگوئید؟

حال سئوالهایی از خودمان میکنیم: آیا ما اخلا لگرم با این مدیر - بت و این شورا ؟ آیا این شما را به این فکروا نمی دارد که به مملکت زاسر مدیران و شورا را ففتر توبه ؟ و یک شورا واقعی برای خودانصاف بکشد ؟

هدای ارکا رگران نسورد  
۱۳۵۸/۲/۲۱  
\* \* \* \* \*  
\* \* \* \* \*  
\* \* \*

چه کسانی از انزوی انقلاب ایران وحشت دارند؟

بنظر رسمی شوروی و اروپای شرقی نیز در آن شرکت دارند (و با اعلام همبستگی ها که با جنبشهای آزادی بخش بر علیه ابرقدرتها و سگسان زنجیریشان در گرفتار با در کردار صورت میگردد، ما به تگ و تنها مانع ما در جهان شود و انقلاب ایران به و ن بار و متحد و مدافع بنا نمود و نتیجه در برابر توطئه ها و تحریکات دشمنان بلافاصله فلج گردید بدیده اینسان " انزوا " در عرصه جهانی یعنی انزوا از ابرقدرتها و قدرتها و حکومت های جهان که تقریباً همه آنان از دم بذرات مختلف برملا خودست می کنند و در خونخواهی و جنایت و غارت مردم، عوام طلبی و دروغ با خیمه سلفه گذارده اند، بدیده اینان مو فکیری و ایستادگی در برابر جهان غارت و زور و آشوب و باغیگری ایسر قدرتها و همدمان و مزدوران آنان به معنای " انزوا "، و نتیجه اش ارتجاع و عقب ماندگی است.

این محافل در کشور ما که در برده مخالفت با انزوا طلبی به مخالفت با جنبش فدا امپریالیستی مردم ایران و با سنگ انداختن در سر راه آن مشغولند، برود دسته اند، دسته اول طبقاتی از وابستگان و نوکسران امپریالیسم آمریکا و متحدینش و هم چنین غربانیهای مختلف سازشکاری با غرب در میان محافل لیبرال ملی و مذهبی هستند. در این طیف آنهاشای هر که با روکش مارکسیستی به دنبال روی از رهبران خاشخین مشغولند ( " حزب رنجبران " ) جای دارند. دسته دوم که بسیار هم مکارترند و طبقاتی از وابستگان و نوکسران امپریالیسم روس و متحدینش و همچنین غربانیهای مختلف سازشکاری با شرق ( شرقی غرب ) در میان روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا میباشند. با نفاق کسب حزب توده در زان این جریان است و با ندهای حزب دمکرات کوردستان و اخیراً اکثریت سازمان فدائیان همستان آن آنها را تشکیل میدهند و دارای متعددی هم در میان عناصر مترجم مذهبی و غیر مذهبی هستند، برخی

غربانیهای روشنفکری دمکرات نیز که ظویراً در موضع سازش با سوسیال امپریالیسم روس قرار دارند آنگاه با نا آگاه به کسترش افکار فاشیستانه این دسته خدمت میکنند. هر دو دسته دائماً از خوف " انزوی انقلاب "

دعوی جناح های روسی و آمریکا شای با دو جناح روسی - آمریکا شای ؟ در یکی از جلسات " تاریخی " قبل از مرگ شاه مخلوع و قبل از انتخاب در این حزب آقای قاسملور رئیس حزب دمکرات گردستان و شرکا نشسته اند و از آقای غنی بلوریان سر دستانه انشعابیون دمکرات هم برای نظر خواهی دعوت کرده اند ( نقل بعضی ) : قاسملور : ( بخوشی ) ده بیلیون تومان از طرف شاه برای ما فرستاده بده غنی ! نظرت چیست ؟ بگیریم ؟ غنی بلوریان : ( پس از اندکی تأمل ناگهان دستش را بلند کرده و می گوید ) بگیریم ! وگور پدر هر کسی که پشت سر ما حارب بزند !

شیردینها و سیاست منقلانهای را در عرصه جهانی پیش برد، در بزایوه به افکار دونا تودی کشیده شد و معانی ناچار به تسلیم در برابر بریکسی از جنبه ها خواهد گذشت. پس چه بهتر که از هم اکنون سیاست " فاشیست " ای در پیش گرفته شود و با گفتارها و احیاناً کردهای " آنارشیستی " برخی زعمای قوم و توده های تحریک شده، که بقول روزنامه " سفید " مردم " کرد " فاشیست " ما شویست ها " و " تحت تا شیر احاسات تند مذهبی و ناسیونالیستی " هستند، مبارزه برای استقلال کشور به انزوی کشور منتهی نگردد، ولی در واقع مفهوم واقعی " استقلال " در قاسموس این دستجات چیزی مگر همان " انزوا " را معنی نمیدهد؛ منتها هر دسته بنا بر سربردگی و یا سازشکاری خود و براب

بیمان آن ( حزب دمکرات و اکثریت سازمان فدائیان ) همه در خدمت این هدف فدا طلبی و فاشیستانه طرح ریزی شده است. " مردم " ارکان حزب سار میرده، در مقاله ای در زمستان " مسائل سیاست خارجی ایران " بنام " انزوا : وابستگی " ( شماره ۳۰۲ ، ۱۶ مسرداد ۵۷ ) مینویسد : " توده ها در روند کسب و استیلا از جهان سرمایه داری امپریالیستی ( خواست : سرمایه داری امپریالیستی غرب ) . سخن آرمائی را می بیند که سالان سال در حیرت و سرخوردگی است. ولی کسائی از دولتمداران ما بر آنند که نفع این آرمان مجرّم " انزوا " اصلاح ما در عرصه جهان و شکست انقلاب خواهد شد ! این منافق مارکسها تفادی ممیق و سادی در عرصه انقلاب است. " پس نشوید با ندیده برای رنج این " خناق " ، بی استیلا و خطر " انزوا " ، اینگونه راه حل در لای زور و پیچیده ارائه میکنند : " در جهان ما دو جنبه ، دو جهان متفاوت در حال جدالند. یکی جنبه انقلاب که در حال پیشروی می باشد و جهان جهانی انسانی و سراسری قابل زیست است ... و دیگری جنبه امپریالیسم و ارتجاع ، که در حال عقب نشینی و دفاع از مواضع ظلم ، فساد و کورسگی و نابرابری است . اما این " جنبه انقلاب " و " جهان انسانی و قابل زیست " همان جنبه بندی " جامعه کشورهای سوسیالیستی " جعلی یعنی سوسیال امپریالیسم روس و ما هوارها و متحدینش میباشد. و حال آنکه " جنبه امپریالیسم و ارتجاع " صرفاً و تنها ما گروه های امپریالیستی غربی اند که آری ما در این آنها قرار گرفته است. در این حالت ، بزعم این منافق کسرا " جنبه جهانی با ملاح " انقلاب " ، " برای جنبشهای جهانی نفس ... در راه پیشرو وجودند ؛ رد : با ندهای درون سیستم سرمایه داری امپریالیستی و وابسته آن ( خواست : جنبه امپریالیستی غرب ) ناسیونالیست ... و با جنبه انقلاب مابسی ( بخوانید : جنبه امپریالیستی شرق ) پیوست و در قالب نظامی معنی سراسری ( گویا ) برابری و همبستگی اصلاحاتی و از سببترین امکانات برای تا سبب استقلال راستین ( ۱۱ ) و رشد شرقی - جامعه سرمایه ای تا من مباحث

تقیه در صفحه ۱۲

اخبار کارگری

# اخراج ساواک‌بهای مزدور، آری توطئه برای اخراج کارگران مبارز، هرگز!

مردم آگاه و ستمدگیان، کارگران و زحمتکشان

بدی است که دولت‌پیمان دست انداز کار حکومت و مهربان او را محروم  
جمهوری اسلامی در محیط کارخانه‌ها تمام کوشش خود را صرف مبارزه با شورا -  
های واقعی کارگران و کارکنان مینماید. حکومتی این طبقه کارگر را -  
مان ایران و پیشاپیش آنها، مترقی ترین و آگاه ترین و مبارزترین کارگران  
سودند که سنگین ترین نقش و وظیفه را در صحنه مبارزه علیه رژیم مفسد و پهلوی  
داشته، بهترین فنّا را اقتضای و تحمل گردیده، مورد خدایدترین توهین هسا  
فرا گرفته اند، اما دست از مبارزه برنداشتند و در پناه گناهان قدرت از جنگ  
انقلابیون واقعی، اکنون خود ملامت و ملنا به جنگ کارگران آگاه و مبارز  
میروند و در این راه از هیچ کاری فروگذار نمیکنند.

شناختی و متفعل نمودن، اخراج و دستگیر کردن، بازجویی و شکنجه  
ارمیان سرداشتن این بزرگوارترین مبارزان فدا میهنیست و ارتجاع یعنی  
کارگران، از جمله سرنامه‌هایی است که قدرت طلبان برای پیشبرد اهداف خود  
بدان دست میزنند.

آنچه که در مجتمع خوب و کارگران ایران (چوکا) طرف ۶ ماه گذشته و خصوصاً  
هفته اخیر رخ داده، مضمونی بیانگر این سیاست‌های ضدکارگری رژیم جمهوری  
اسلامی است.

سه ماه پیش از این با توطئه تعطیل کارخانه به بهانه‌های نامعقول و تعمیر  
مغنی سیستم‌ها میخواستند کارگران آگاه را تفرقه و اخراج نمایند، که کارگران  
به تنهایی و بی‌ترسانه، بلکه توانمندتر از پیش از ۱۵۰۰ نفر کارگر بهمان نسبی،  
بروزه‌ای را نیز با مبارزات بی‌کمتر خویش رسمی نمایاندا و زوی دیگر و با -  
منازق بسیار در انجام اماسی ساواک‌بهای چوکا را منتشر کردند. (برخی  
اراسی ساواک‌بهای چوکا در کتاب ۱۰۰۰ ساواکی که بوسیله اتحادیه کمسو -  
سیسبای ایران به چاپ رسیده، موجود بود) بدینوسیله کارگران آگاه چوکا  
تایید کرده اند که به تعطیل کارخانه موافق هستند. (علیرغم امر از مفسران  
مسی برای اینکه کارخانه ضرر می‌دهد و از این قبیل مغرضات) و نه پذیرای این  
امر که ساواک‌بهای کثیف کم‌کاران به کار داده می‌دهند، اما رژیم و مهربان آن که  
در مبارزه مدد مکرر کمک و ضدکارگری بسیار و بسیار فعال تر است تا مبارزه بر  
نمیدانند و اکسیا، با جماعت بدشانتی به طعنه شوری گسترش که نمایندگان چوکا  
شودر آن بودند حمله کرد. جای تجمی نیست، زمانی که ساواک‌بها مغر می‌شوند،  
تا در اینجا روغیا با ن لاله را زهران سمب گذاری کنند، با ایستی کارگران هم  
سمب بیکتیر قرار گیرند و اخراج شوند.

چهارشنبه هفته گذشته دو اعلامیه از سوی انجمن مدیرها مل کارخانه (که  
به لطف مبارزه مردم بعد از قیام زجاج وار شده و به ریاست رسیده است) در  
سطح کارخانه پیش می‌شود، در یکی از آنها عتاب به کارکنان گفته است: "هدف  
از پاکسازی طبقه ساواک‌بها و انقلابیون است و تعدادی از این بدقولوزیک  
در میان نیست." و در اعلامیه دیگر ۲۲ اسم وجود دارد، تقریباً نیمی از آنها  
به تنهایی ساواکی نیستند، بلکه دقیقاً ۹ تن از بهترین و پاک ترین کارکنان  
ساکال بهترینی و وقت هت منان در کارخانه ساواک‌بها قرار گرفته و طبق قوانین  
معدی از حقوق اجتماع می‌نیز محروم شده اند. به منظور بهتر پها ده کردن منظور  
کتیبتان در اخراج کارگران مبارز، اعلامیه‌ها را چها رضمه پیش می‌کنند و زمان  
اخراج نیز از صبح روز دوشنبه ۱۳ مرداد است، یعنی "با تعطیلی جمعه و یک -  
شنبه، درست در موافقی که کارگران کمترین زمان را برای تشکیل و تصمیم -  
گیری دارند.

صبح روز شنبه ۱۳۵۹/۵/۱۱ کارگران و کارکنان ۱۹ تنی اعلامیه‌ها را  
میدهند و در آن طلت اخراج مدامتلاسی ۱۰ تن از کارگران را از مدیریت چوکا  
میشوند و می‌خواهند که روز دوشنبه مدیریت به آنها پاسخ گوید. صبح روز دوشنبه  
تمامی مبارزان جنگل مستند در چوکا (که اعلامیاری صادر شد، مگر مسوولین و  
هوا جیدن و ۳۰۰ تن کربسی و تمام ۲۲ ساعت درون کارخانه قدم بردن و سخنان  
خوفنا و خشت در دل کارگران ایجاد کرد) مسی از هر روز درگیری آماده بودند  
و حالت است که گویا می‌خواهند در علیه دشمن حارهی امران مبارزه کنند که سرت  
روی پشت با میا سگر گرفته بودند، و در یک کارخانه را تا شدن کارکنان و کارگران  
کنترل می‌نمودند. همان زمان ورود خدمتس از کارکنان و کارگران را محرم  
اینکه نیروهای ایقلای و مبرنی درون انجوس! اعلامیه پیش کرده اند و آنها  
نیز خواننده اند، به کار در کارخانه مسرند و پس از ۲ ساعت آنها را متعلق می -  
نماید. و پرسش‌هایی مسی برای یک کسای را که اعلامیه پیش کرده اند، در  
کمید و از این فیلل می‌کنند. ما بالاخره کارگران مبارک را خود می‌روند تا ادا -  
ران در این روزهاک و نتیجه‌های وسائل ضروری کارگران را سر می‌سوزند.  
اما بالاخره منی اعلامیه ۹ مبارک کارکنان اخراجی در کارخانه سخن می‌سود  
که در آن مدیریت فعلی (حسن صدر) و ما برای طلت و ضعف و میل در ۲۵۵ تن  
افاضه مسترد کارگران، مدیریت فعلی (انجم) و ما برای برداشت حقوق نگران  
به امانت دش سروان اقلایی، و توطئه آنها برای اخراج کارگران قرار دادی  
سخنی افتاده است. امضاء کنندگان اطلاعیه دلیل اخراج خود را در اجتماع از

حق و دیگر برادران کارگر خود میدادند.  
کارگران و کارکنان آگاه چوکا با طرطو گری از هرگونه سرکشی و مبارک  
فدا نقلابی و با وجود مبارکان مسلح بجای جمع شدن همه کارکنان و ملسر -  
گیری از لطمه زدن به تولید کارخانه در شرایط خاص کموسی، کارگران و کار -  
کنان که وجودشان برای راه اندازی کارخانه کاملاً ضروری بود، مبارک را محوس  
مانندند و حدود ۳۰۰ نفر از کارکنان شمشه‌ای، مختلف در جلو محوطه آداری جمع  
کردند، یکی از کارکنان را جمع به طلت این تجمع صحت کرد، سپس کارگری  
متن اطلاعیه ۹ تن از کارکنان را فراشت کرد و سپس یکی دیگر را رگسیران  
قطعاً به فراشت نمود.

در قطعنامه‌ها می‌پندکان کارگران مواد در بر این طرح سموده اند:

- ۱ - لغو احکام اخراجی کارگران مبارز و رکن هر چه سه  
مربطه آن‌ها به کار را لغو سازیم.
  - ۲ - پشتیبانی کامل خود را از اخراج ساواک‌بها و مزدوران  
و ایستنه به رژیم مفسد و پهلوی اعلام می‌داریم.
  - ۳ - ما کلمه کارکنان ناشنیده مورخ ۵۹/۵/۱۸ به مدیریت  
مجمع مبلت می‌دهیم تا نسبت به مبارکشت کارکنان اخراجی مورد امراس ما  
اقدام نماید.
- و در ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۵۹/۵/۱۳ این تجمع با موفقیت با پایان یافت.  
ساواک‌ران و مدام انقلابیون در قدرت تا بداند اسکده مردم مبارز ایران و  
کارگران قهرمانش، این توطئه ارتجاعی را سر علیه کارگران و کارمندان  
مبارز محکوم نموده، مبارزه را برای طرد و سادی ساواک‌بها، مبارزانه به  
ارتجاع و امپریالیسم و چلوگری از اخراج نیروهای آگاه و مدام مبارز و  
تعمیر و راه‌های واقعی را تا به آخر ادامه خواهد داد.
- اتحادیه کموسیسیای ایران - گیلان (زهر و ان راه "مصلحت"  
در اینجا، اعلامیه گرومی از کارکنان و کارمندان اخراجی چوکا را منتشر  
درج می‌نمایم:
- کارگران و کارمندان مبارز چوکا!

آنچه که بنام تصمیم و با کسای در چوکا انجام مدیریت است، آخرین مسوولین  
مدیریت و ما میان سرما به داری و ایستنه است که) به متافع و مبارزات من -  
ظلمانه کارکنان مبارز ما می کارخانه‌ها تا ایران تدارک دیده اند. اخراج  
نمایندگان کارکنان و ما سر ما زومتری می نرند و دهی جرتست سوزاها  
و در هم کوبیدن شکل کارگران که سخت دشمنان کارگران را هراسناک کسره  
است ندارد، با قرار دادن اسامی مبارزترین مبارک کارخانه در کارخانه ساواک‌بها  
این دشمنان قسم خوردند، زمینگان، مدیریت چوکا مؤذنا به میکوشد که سرش  
مبار انقلابی و مبارز را با ساواک‌بها و مزدوران رژیم مخدرفا شای می‌سود  
نماید. زمانی که کارکنان خواستار راه اندازی کارخانه و پاکسازی و معصه  
ساواک‌بها بودند مدیران با بی اعتمادی هر چه تمامتر مقابل این خواسته  
کارکنان و مجمع مقاومت می‌نمودند، اکنون چگونه است که مبارک و انجم هسا  
طبقه در صفحه ۱۲

الطبی " نقضی فعال و ویترا نکر بازی میکنند ، و این یک روی سکه بود ، روی دیگرش نیز حرم و ولسع دولتیان در حراست از " حیثیت " این " تنگستان فریب خورده " بود و معافه کاری پاره لثی از نیروهای

# اعلام جرم علیه تطهیر کنندگان ساوا

بنیاد ارتداد اول

انقلابی که ما میدانستیم بختناشی از امانی و اسرار ما و اکیان نرسد آنهاست ، ولی بپرد لیل حاضر به بخش نبختند ، در چنین شرایطی احسان و طریقه شناسی در قبال انقلاب شما مردم ، حکم میکرد هر که هر چه در دست دارد ارائه کند و ما نیز همین کار را کردیم ،

در همین جا فروری است سبب انتقادی که بر این کار ما وارد است اشاره کنیم ، عنوانی که ما برای لیست امانی ساوا اکیان انتخاب کردیم ، عنوان درستی نبود ، در این لیست بیشتر از همه امانی خیرچینان و منابع ساواک آمده و کارهای اصلی در آن گنجد ، این البته حاصل تحقیقات بیشتر ما پس از انتشار کتاب است ، اما ما بنیاد است این تحقیق را زودتر انجام میدادیم و از بروز چنین اشتباهی جلوگیری می کردیم ، برای مثال در روزنامه " جمهوری اسلامی " ۲۱ بهمن ۱۳۵۸ اسامی ۲۲ نفر از ساواک و اکی های شهرداری اعلام شده که ۱۴ نفر آنها پرسنل ساواک اند و ده نفرشان منبع ساواک ، اسامی هده نفر منبع ساواک دولتیست هست ، در صورتی که اسامی پرسنل ساواک نیست ، بهر رو نام کتابی - با بایست بجای " هده نفر از اکی های خا شن و جانی ساواک " طسوری انتخاب میشد که این امر را میرساند ، در همین جا باز به نکته دیگری نیز فرورضا اشاره میکنیم و آن اینست که هیچک از اسامی بی که در این کتاب آمده بدون دلیل ، بایه " دلایل " اینها نه و بجا کودگانه نشی که جهت نقض سندیت کتاب ، از جانب خیلیها آورده شد ، نیست ، بدون استثنا همه افرادی که اسامی ایشان در این کتاب آمده به نوعی با ساواک در تماس قرار گرفته اند و ساواک امید بهر برداری دا وظیفه آنها را داشته است البته بسیار ایشان نیز کارهای ساواکند ، این نیز شامل پاره لثی تحقیقات بعدی ما و پاره لثی حاصل تحقیقات شناسی برخی گسانی است که نامشان در کتاب آمده ، و لغوه بسیاری

مزدوران ساواک میکردیم ، البته خواهم دید بیکه ایشان نیز نه کارهای گرداننده ساواک بلکه پادوسا و خیرچینان ساواک در سازمانهای دولتی و عمومی دیگرند ، بهر رو ما این فرست را غنیمت میشماریم برای طرح برخی حرفهایی که با خوانندگان عزیزمان داشته ایم ،

دوماه سال گذشته کتابی منتشر کردیم که حاوی نام ۸ هزار نفر از فعال ساواک بود ، زمانی که این کتاب را در اختیار شما مردم آگاه و مبارزان ایران گذاشتیم ، درست یازده ماه از قیام خونین بهمن و سرنگونی نظام شاهنشاهی طی این یازده ماه تمام سازمانهای انقلابی ، همه شخصیتهای ملی و تمامی مردم ایران بارها و مدها بار از دولتیان - این میراث خواران نالایق انقلاب خلق - خواسته بودند که اسامی ساواکیان ، این مزدوران بیرحم استعمار و قسا - ظلم مدها جوان دلاور و خلق افشا - گردد ، اما دولت مدام این مسئله را به نوعی پشت گوش انداخته ، حراست از این دشمنان مردم را توجیه کرد ، نزدیک به یکسال از انقلاب مردم گذشت و کوشی که این انقلاب خلق علیه شخص محمد رضا شاه - و نه علیه یک نظام اجتماعی و ارگانش پیش به مثابه ابزارهای حفاظت از آن نظام - بود ، باید هر کس هر چه را از اسرار دشمن در دست داشت در پیشگاه خلق اعلام میکرد ، و ما هم همین کار را کردیم ، از جمله اسامی که در دست ما بود ، لیست اسامی ۸ هزار ساواک بود ، ما خود میدانیم که مزدوران ساواک آزادانه میکردند و توطئه میکنند ، خودشان میدویدیم که جانیان ساواک در تمام کمیته ها نفوذ کرده اند و به آتش فروزی و فعالیتهای ضد انقلابی تحت نام کمیته ما مودناج از انقلاب اسلامی مشغولند ، میدانیم که در هر جهت و مجاله خود را لایق میکنند و زیر پرورش دنیا از اسلام با فیلدن تمام کینه و نفاق در بین مردم می بردارند ، و ما هم میدانیم که در تشکیل و هدایت دسته های جهانداد " حزب

ما نوشتند و فرستادند که دلیل این امر چیست ، این را نیز بنا گفتند نگذا ریم که این جریان - که میتوانست در روشن شدن بسیاری مسائل به جنبش ما کمک کند - با پوشش سنگ زمانهای سیاسی " مسئول " علیه ما و کتاب متوقف گردید و دیگر هیچ کس حاضر نشد عودا اعلام کند که چگونه با ارتش گرفته شد و تمهیدات انجام چه وظایفی سپرده و چه کارهایی کسرده است ، و دیگر دلایلی هم برای این کار نبود ، آنها نشی که خیلی احساس " مسئولیت " میکردند به دهم شان رسیده بودند ،

کتاب منتشر شد و به همراه خود جریانی در جامعه برپا انداخت ، دولت مردان جمهوری اسلامی بسندت تحت فشار قرار گرفتند ، ممکن عملی را که ما از جانب مردم انتظار داشتیم حتی بسیار بسیار زودتر از حد تصور ما بتوقع پیوست ، در بسیاری از ادارات دولتی و خصوصی کمیته های پاکسازی - نه از این نوع کمیته های پاکسازی و مالک سازی! جمهوری اسلامی - ساخته شد و صفا صرا و اکی با بخش شدن این کتاب از ترس مردم گریختند و مطلق شدند ، و همه صفا - شبهای دولتیان و غیر دولتیان علیه کتاب نیز نتوانست تا شهری برای این امر بگذارد ، روزنامه اطلاعات به شششنبه ۲۳ بهمن ۵۸ در ستون " پشت پرده " معادل سیاسی واجتماعی نوشت :

" کتابی که اتحادیه کمیته های ایران منتشر کرده و در آن ۸ هزار نفر را بعنوان صفا کاران ساواک گنجانده ، از دلخترین موضوعات روز است مدها نفر که نامشان در این کتاب آمده تاکنون بسا درج مقاله و آکپی ، همکاری خود را با این سازمان جنینمی تکذیب کرده اند ، از طرفی انتشار این کتاب با رازبرداری و صفا نامه بر اکتی در ادارات وک زمانهای دولتی و خصوصی را مجددا داغ کرده و صفا شده که با رهبانهای صفا تشکیل خود ، جالب این است که با آن که تاکنون دوباره ، واخبر را نویسه مادی طباطبائی - سپهرت ادارات نخست وزیری - در صحت لافل تمامی مطالبه کتاب تردید برار شده ، معذرا آنها که مطلق صفا دارند ، ( یعنی مردمی که پیش از ۲۰ سال اسیر جنگال بیرحم این

سازمان مخوف بودند و هزاران جوانان در راه سازش با آن مان با حسد و مسیواستند ، با این عامل اصلی اعمال سرور شاهی آذنی گندم مدرجات کتاب ، را مدمردمانیل اسناد میدادند ،

" خواند این کتاب من از همه دانست که در این کتاب در اسرای تهران شده است ، مردم جا میمان ساواک را از سالها پیش می شناختند و کتاب سر سندیدستان داد و آنچه را اسناد میکردند ، کردند ، ایکاس حسن " آگاه " ما در اینجا هم ارجحی سردم دنیا له روی مسکرد ، مناسسه دنیا له رویها نیز نه از حرکات انقلابی ، بلکه همیشه از جو بیانات انحرافی است ، و این عمق فاجعه را نشان میدهد ،

اسلام بنانان نشیروشان را علیه " اتحادیه کمیته های ایران " کج بستند و روزنامه های جمهوری اسلامی هر روز چندین مقاله و اطلاعیه و اعلام جرم علیه ما به چاپ رساندند ، آنقدر روزنامه های " انقلابی " جمهوری اسلامی علیه ما اعلام جرم چاپ کردند که یک مدتی علیه ساواک نکرده بودند ، کوشی که ما عامل آن همه جنایات بوده ایم و نه ساواک شاهی ،

مادق طباطبائی سرپرست آن زمان ادارات نخست وزیری زودتر از همه کتاب را محکوم کرد ، آنرا توطئه خود ساواک خواند و اسامی هم میخی بر اینک ساواک خودش صفا بدنام کردن مبارزین - معلوم نشد چرا در اینجا تا گمان دل آقای صادق خان طباطبائی برای مبارزین صفا - این لیست را ساخته و پیردا - خند ، سرهم کرده بعدا دیگرانی نشر همین هجریات را لغو فرمودند ،

کمیتهان بیجشنه ۲۵ بهمن ۵۸ ، در یک نظر خواهی تحت عنوان " صفا میسرند چرا دولت اسامی ساواکها را منتشر نمی کند " سراغ برخی از کارگزاران اصلی جمهوری اسلامی رفت و جواب آنها را به این پرسش مردم خواست ، همه کاره مسسروق جمهوری اسلامی آیت الله بهشتی گفت :

" اسامی ساواکها نشی که در کتابی شده اند و دیگر اسامی اتحادیه هستند [ روش اسامی قابل اطمینان برای چه کسی ] باید منتشر شود [ که مثل همیشه نشی در صفحه ۹



مردم همانهاست که "ملش تنفیبه دارند" همانهاست که "بازار سرد تنفیبه در ادارات و سازمانهای دولتی و خصوصی را مجدداً داغ کردند" و "همانهای تنفیبه" تشکیل دادند. همانهاست که با لمان در ازشلاق تمسک

### تظہیر کنندگان ساوا

بغیة از صفحه ۸  
وتجا وز جانباں ساواکی را سر کرده خود احساس کرده بودند و حال فرست و امکان و ضرورت افشا و طرد عوامل این دستکاه جهنمی را می دیدند و طرف دیگر مزدوران ساواک که با سر-نامه و حساب شده هر روز چند اعلام جرم علیه ما به روزنامه های چپمذوری اسلامی میدادند و میکوشیدند با بسن جورا دگرگون کنند، سیکوشیدند خود را از دست انتقا مجوشی مردم نجات دهند و به عنوان نیروی ذخیره ارتجاع و امپریالیسم باقی بمانند. در این دهوا بسا رگمان نیز به کمک ساواکیان پرداختند. حزب توده از اولین کسانی بود که علیه کتاب موضع گرفت. آنچه حزب توده را وادار به این موضعگیری کرد، اولاً اما می بسیاری از اعضا و هواداران خودش در این لیست بود و او بدست آوردن فرصتی برای کوبیدن "ما شو لیست ها".

حزب توده تفاداً ملیش در این جا محه با نیروهای کمونیست انقلابی است. اینرا در موضعگیری هایش بر سر جنبش مردم در کردستان و در خود-رستان، در دفاع از مدنی ها و... مدام نشان داده است. این حزب خاش و جیره خوار، کمونیستهای ایران را دشمن اصلی خود میدانند. و در حالی که دست خود را با بساں و هدستاش در دست امپریالیسم آمریکا است، میکوشد، کمونیستهای ایرانی را "ما شو لیست" و "آمریکائی" معرفی کند تا به اهداف بلند و وطن پرستانه خود جا به عمل بیونانند. و در این جف "ما شو لیستها" هم از قرار ما از همه ساوا-لیست "تریم و در دشمنی با حزب توده استوارتر. و بنا بر این جسا فآرد که حال که فرصتی بدست آمده کوبیده شویم. این است که مسزده بگمران کرملین نتجیده، کتاب را به عنوان سندی معمول و مقدس محکوم میکنند، اما طولی نمیگردد که جاسوسان نشان در دستگا های دولتی جمهوری اسلامی غیرشان میکنند که کتاب سندیته دارد، و آشوت سمسی

میکندند، آسرا کم اهمیت و بی بها جلوه دهند و بدین ترتیب جماعتهای ساواکی خود را "یاک" سازند و هم به میا رزه ساواکیان علیه اتحادیه با ری رسانند. خاشین حزب توده، خود در حمایت از ساواک و محکوم کردن کتاب پیشقدم شده و دست گذاشتند و وقتی دیگران را به دام انداختند، خود را کتا رکشیدند.

دولت جمهوری اسلامی نیز، هما نظور که دیده بد عمل در این مبارزه است ساواک را گرفت و به اعلام جرمها رسان زد. در جنبش ثرابیطی و در جنبش محنه ش از سرید، از یک جنبش چپ سالم چه انتظار میرفت؟ در صورتی که جنبش کمونیستی وطن ما از خلوص بیرونی برخوردار میبود چه میبایست میکرد؟

ما در مقدمه کتاب به خوانندگان گان خود گفتیم:  
۱- در محیط کار روزندگی بکونید اگر کسانی از این سز دوران هستند بیخنا سید و آنها را به مردم بیخنا کنید. اینسان با بدیس از مجازات لازم دقیقاً مورد کنترل توده قرار گیرند.

۲- هر اعلامی از وضع کار و وضع لیست جدید این مزدوران به دست آوردید، با مشخصات و آدرس کامل به هر طریق که میتوانید به یکی از سازمانهای انقلابی ایران (کمو-لیست و غیر کمونیست - برسانید) تا کید را اکنون میگذا ریم).

و در آخر با توجه به اما می ناقص موجود در کتاب هشدار دادیم که:

۳- در معرفی این سز دوران میباید تضایع نام و فامیسل آکتفا کنید و به مجرد تطابقی نام و فام فام را در یکی فلان شخص با نامی در این لیست افشا و طردش بپردازید. با بد تمام مشخصات موجود در لیست را بررسی کنید (مانند نام پدر، شماره شناسنامه و تاریخ تولد) و در صورت تطابق کامل (با هم تا کید را از مزور میگذا ریم) مطمئن شوید که فرد مورد نظر همانست که در لیست آمده، هشدارید که با حیثیت و شرافت انسانی کسی بازی نشود.

و در جاشی دیگر نیز از همه نیروهای انقلابی خواستیم که کمک کنند در راه

تکمیل این لیست و کلا کشف سزور ساواک، که در آن شرایط منحصر به نفسی استادن در کنار مردم بود در مبارزه ای که بطور روزمزه به پیش پیش میروند. اگر یک جنبش کمونیستی سالم سدا تنضم، میبایست حدا سبل به اندازه کار بنیان ادا را با وارد این مبارزه میتد راهی که ما آغاز کرده بودیم در تکمیلش میکوشید، و گریبان دولشان را مگرفت کسه چراه این خواست برخی مردم نرحس نمیکند و اما می این دشمنان خطرناک انقلاب خلق را اعلام نمیکنند. اگر یک جنبش چپ با لوده و سزور از پلسه های تنگ نظرانم خرد مسر - رزواشی سدا تنضم، میبایست سا مردم همدا شد و فام را بر لاجوران سرخشان انقلاب نشست زما دمکسرد، میبایست گریبان انحصار طلبان و سازتکاران را میگرفت و در بنیگاه مردم نشان میداد که آب نظهر بر سر ساواکیها ریختن خاست به انقلاب مردم است. میبایست به انبهمه خود سری و غیره سری آبت اللها و وحد الاسلامها در دفاع از ساواک و "قابل اعتماد" دانشن ساواکی هالکام میزد. میبایست معرفت و بی حوشی میکرد و در میبایست که کسانی نظیر علی محمدشارخی جهومی، فرسده فضل اللها شماره ردیف ۰۰۰۳۲ که نامشان در این کتاب آمده از جسه کانا لهای استفاده کرده اند و به جسه و با پلی منتش شده اند که تواستند اند برای رهبری حزب جمهوری اسلام می "قابل اعتماد" شوند، نا آنجا که به نامایندگی "مردم" در مجلس شورای اسلامی برسند؟ یا بی می - رفتند و کشف میکردند که چگونه است این "قابل اعتماد" دشمنان و از این راه گامی در خدمت به انقلاب مردم بر میداشتند. اما ایسان به منهنما اینرا نکردند، بلکه پشت به مردم کرده و لگدنان نیز زدند.

رهبری سازمان چوبکهای فدائی خلق نوشت: "لیست محدود ۸۰۰ نفری با هیت نا شران آسرا سر سوال قرار داده است. ما سزوران لیست ما ذکر نام برخی از سزوران و صدیق ترین زندانان سیاسی رژیم پهلوی در کنار ساواکیها و سزورگان رژیم شاه... ضما خواستند اسد بزرگترین خدمتی را که اردشمنان باخته بود، به دشمنان مردم میکنند. چه، تا سزورین به اصطلاح کمونیست نه تضایع بهترین امکان را برای تطهیر غیبت ها و تضایع های مؤامل بغیة از صفحه ۹

# حقیقت

آقایان رهبری چریکهای فدائی خلق و به مبارزه دستش، عمال خائضین حزب شده در رهبری چریکهای فدائی خلق از جای دیگر میسوزند. اینست لیبست با بدوجه المعامله میشدند پس آنان و قدرت حاکم، آخرا بیان بسه

## پنجمه از منحه ۱

رونق پیشخوان دکان خودبیشتر از هر چیز دیگری اندیشند. حال این رونق را چه مجیزگوشی از عنصر شکوک و نگاری نظریه پستی تضمین کند، چه فدائی وشاخ و شانه کشیدن علمیه نیرو های انقلابی و کمونیست وجه مداحی و آستانبوسی سوسپال امیریا لیبست روس.

ما از همان روزی که این مقاله در "کار" آمد و وسیله نشی شد برای تیرش ۸ هزار ماواکی و به اصطلاح قرار شد، ماهیت ما را از پرسشوال بسه برده دانستیم که این "کار" کسار

ما زمان چریکهای فدائی خلق نیست بلکه این دست کینه کار و حزب تسوده خاشن است که از آستین شونوار چریک فدائی بیرون میآید. این کار ما مورینی است در رهبری و نه کار ما زمان. و اینرا گذشت زمان و گذشته شدن این سازمان به سمت اردوگاه

سوسپال امیریا لیبست روس ارباسان شبهکار و حزب تسوده بیرونی نشان داد. رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق این کتاب را دست پخت ساواک اعلام کرد. ماهیت ما را به اصطلاح زبیر

سوال برد و جوانان انقلابی و پرشور را که به اعتبار رهبران انقلابیون دلاوری که رهبری این سازمان تسود امروز پشت به آرمای نهی والی آنان کرده، به این سازمان روی آورده اند. به مقابله با رفقای ما در جریان

پشت این کتاب واداشت. امر ما شد. شی نیست مردم! رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق این سازمان را در صلبندی بین ساواک و مردم در صلب تیرش کنندگان ساواک و رود روی مردم قرار داد. هر کجا توانستند از پیش

کتاب جلوگیری کردند. در شهرهای شمال که نفوذ بیشتری داشتند، رفقای ما را تهدید کردند که اگر این کتاب را بفروشد گتنگ خواهد خورد. یعنی که تا پای کتک زدن "به اصطلاح کمسو نیست" به تظهِر ما و آنگه ما بردا غتند. در هر کجا و تا هر کجا که توانستند بر سر راه پیش این کتاب سنگ انداختند و این تنها و تنها پستیهای فاعط مردم - همانهایی که ملیر فم همه

ساواک و رژیم پهلوی فراهم آوردند، بلکه ما مدتر بسین زمینه را به دست داده اند تا به اعتبار آن، دشمنان مردم ما خود را دوست مردم جا زده و امکان برانگیزی با بند. از آن گذشته، ساواکی های سرشناسی که سالها در جبارگوشه ایران به جنایت مشغول بودند و اینک تا نشان در این لیبست نیست، میتوانند

با احتیاط به لیبست انتشار یابند. فته خود را پاک و منزله جلوه دهند .... بدون تردید، این لیبست را ساواک و عوامل سرسپرده رژیم سابق برای مددوش کردن اذهان وبی گناه خلصوه دادن

ساواکیا و سرسپردگان رژیم شاه تنظیم کرده اند. ("کار" شماره ۴۶ - چهار رشتنه ۲۴ بهمن ۵۸)

راستی که برای غرض بورژوازی گنده دهان چه آسان است چه را نشان دادن و به راست تا ختن، چه آسان است انگیزه های خود را از برهانی های "انقلابی" بیوشانیدن و چه آسان است

دکانداری حقیر و آلوده خود را در پیش لفاظیها و ادعاهای دهان پرکن تسود خالی منفی ساختن، تسود خود با بهانه ساختن نام "عیان فضیلت کلام" که جلشی دیگر به آن پرداخته ایم، آب

تظهِر بیبر سره ۵۰۰ ساواکی بریزی، و به عدیگوشی "ناشرین به اصطلاح کمسو نیست امکان برای تظهِر خیانتها و .... فراهم آوردند. تسود نگاری

کشی که در جیب هر ساواکی چند کپی به از "کار" تسود بیوشان دانبل بر ساواکی نبودنش پیدا شود و تسودت بگوشی ما - واکیهای سرشناسی با استناد به این لیبست خود را پاک و منزله جلوه میدهند، به این "دلیل" که ما نشان در این لیبست نیست. انگار که ما در مقصد

کتاب نگفته بودیم این لیبست ۸ هزار نفر از ۶ هزار ماواکی است. و انگار که این تقصیر ما است که پنجمه ما می را دولتیان اعلام نمیکند. بهانه سه بودن این "استدلالات" روشنگران است که طرح بحثی را لازم سازد.

سیاستیهای دولتبان و "تهدولتیان" علیه کتاب با تکیه به تجربه روزانه خود کماکان "مدرجات کتاب را عدد در مقابل استناد" میدادند تسود

بود که به خودبیری های این صاحب اختیاران! جنبش کمونیستی ایران لگام زد. شک نظری غرضه بسوززوا - ما با نه انسان را به به راه های خطرناکی میکشد. وقتی خود را مرکز دنیا

میبینی، وقتی اسب خود به رستی و غرضه خواهی بلندت کنند، وقتی ملیر فم ادعای مخالفت با انعاما رطلیبستی داشتن، خود جوهر و چکیده انحصار

طلبی سیاسی، وقتی با حای پسای حزب تسوده بگذاری و خود را از آخرین ذره خطت های پرولتری نیز "پاک" کنی. به چنین جاله های با سرخو - هی افتاد. وقتی خود را مرکز جنبشی ات

برای دیگران حق مبارزه حتی بسا ساواک را قائل نباشد، آری به مود مع دفاع از ساواک هم درخواستی افتاد. و رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق دارای همه این آلوده گیهاست.

رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق بیشتر از تسودک بسینیش را نتوانست بسیند، گمان کرده تسودف چنگش تنها اتحادیه کمونیستهای ایران است و کتاب ۸ هزار ساواکی. غافل از اینکه او در صحنه، بزرگتری

واردمشود، که البته اتحادیه کمونیستهای ایران نیز در آن حضور فعال دارد. و این صحنه، همان صحنه شی است که گفتیم و همه میدیدند. صحنه

مبارزه مردم ما علیه ساواک شاهی. آشنایی که علیه کتاب ۸ هزار ساواکی موضع گرفتند، از مدر حزب جمهوری اسلامی و "شورای انقلاب" تا ذیل

خط و جنبش کمونیستی، همه در چنین صحنه شی ایستاده بودند و موضع گرفتند. نه در برابر اتحادیه کمسو - نیستهای ایران به تنهایی. و بسا کمال تاسف با به بگوشیم که رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق در

این موضعگیری تنها نبود. راه کارگر، "زحمت"، "وزمنگان" و "پیکار" نیز همین راه رفتند. با "استدلالاتی" در همین حد مبتذل و کودگانه. گفتند این لیبست منشوش است و "بظهِر میبرید که ارجاسب خود ساواک و در آخرین روزهای حیات رژیم قلیسی و برای بدنام کردن مبارزین و اتحاد افشاش فکری در بین مردم تسویه شده باشد. ("پیکار" ۲۲) برای بدنام کردن آن مبارزینی که ما به همه این گروهها برای گرفتن لیبست ایا میباشان

مراجعه کردیم و هیچکدام نشان تسود تسود یک لیبست ده نفره. محسی او همان نام و فاهای تبلیغی آنها. و به اسم و مشخصات کامل - ما ما بدند و با حسی

نامیک مبارز را تا تمام مشخصات و سا اطمینان کامل انکتس نگدارند. ما تفهمیدیم این چه ساواک مانی و دست و پا چلفتی بود که برای بدنام کرده ن

۸ نفر از مبارزین - اسب تسودن اینک مشخصات کاملشان را در لیبست بگذارند. بسین از ۲۹۹ نفر از اعضا، و منابع خود را بگذارند!! وقتی تسود

شیم "استدلالات" مبتذل و بسجه گانه است اسب و در هم تنگند، واقعیت اسب است.

گفتند: "اتحادیه ما تسود که ما اعلام مددوش بودن اسب لیبست ساواکیهای که ما نشان در آن آمده سعادت خواهد داشت.

در حالیکه این خود کرده ساواک اسب لیبست مددوش و معمول اسب که با استشار چینی تسودی ساواک را هم قرار دادن اسبی مردم بسجگاه. شهیدای میرسان

و مبارزین اسلامی، ساواکی ما موران ساواک، راه را برای گریز ساواکیا و سرشده اسب باز کرده است. وقتی لیبستی اسب تسود و سرسپرد

شده، انتشار یافت، و می اذهان مردم در این ساره تسود شد، دیگر وقتی لیبستهای و - قعی هم منتشر کردد، هاله شی ارشک و تردید در اطراف آن اتحاد خواهد شد. ("زحمت" شماره ۱۲)

این یکی دیگر از اسبها که مبتذل همیشه و طبق سنت دیرینه خود تسود تا بسیند ما مل. دعوا چه میشود و کسدام کفد بر دیگری میچرد و آنگاه تسود بسجگد. بی بوده که تنها ساواکی نیست

اینک ما می مبارزین و شهیدان لیبست هست - با این "استدلالاتی" که به به اش را بدیدیم تا چه مدد معکم است - نمیتوان تسودت کتاب را نفی کرد و بنا بر این یک "عده زبانی اسراد معمولی جامعه که نه الزما جزو مساب و زبین بشمار میروند و نه ساواکی بوده اند". ("زحمت" همان شماره) سر بر آن افزوده است. این دیکس "استدلالات" مبتذل و بسجه گانه هم بسین این کفد بسینی و غیبگوشی اسب این خود را به زمین و زمان زدن برای مددوش اعلام کردن این کتاب است و در عمل دانسته یا ندانسته در همان صحنه شی که گفتیم موضع گرفتند. و گروهها برای گرفتن لیبست ایا میباشان

اعلام جرم علیه

وقتی در جواب اینگونه موشکیریهایی " مسئولانه " میگوئیم رفقا بخود آشفته اشکالات ایدئولوژیک شما را وادارید گرفتار چنین مواضعی کرده، میبینید:

" متأسفانه اتحادیه کمونیستها در عرض اینکه اهمیت این خطای عمیق سیاسی خوبش را درک کند، با رهم " دوقورت و نیمش " ما - فی ماندودرا اعلامیه ۲۳ بهمن ماه " نتیجه میگیرد که این " تئانه " وجود یک انحراف ایدئولوژیک در پشت آن است .

" بنظر میرسد که اگر خود نویسندگان این اعلامیه ( یعنی ما - اتحادیه کمونیستهای ایران ) با دیگری آنرا سخنانند به پرت و بیلاکونی خودی خواهند بود. " ( " راه کارگر " شماره ۱۱۳ )

در آن زمان با آن احساسات جریسته دار شده، به افراد غیر منطقی " حیلی مسئول " تمییز ثابت کرد که چه کسی " پرت و پلا " میگوید و چه کتابی باید " اهمیت خطای عظیم سیاسی خوبش را درک کنند " اما امروز دیگر حقیقت را تنها کمونیستی بینند که نخواهند ببینند و البته از این قماش آدمها کم هم نیستند .

" در تاریخ ۲۰ بهمن ۵۸ آموزش و پرورش آبادان اساسی ۵۰ نفر ساواکی های این اداره را اعلام کرد، از ۵ نفر اساسی ۲۹ نفر - فان کامل و یک نفر بطور متوسط در کتاب " معدوش و مجول " ما آمده است . کیهان ۱۱ بهمن ۵۸

" انقلاب اسلامی چهارشنبه ۱۸ آبان ۵۸ اساسی ۱۸ تن از همکاران ساواک آموزش و پرورش زنجان را به چاپ رسانده از این تعداد اساسی ۱۷ نفرشان در لیست شما که " توسط خود ساواک تهیه شده " آمده است .

" کیهان ۲۷ بهمن ۵۸ اعتراف کردی ساواکی به نام " باقر مومنی " را اعلام کرده است . و این البته یکی از " آسای برنده "

مفالمین اتحادیه برای مجبور خواندن کتاب بوده . که تمام دوپسندگی چون با ترمومنی در آن است . و هرگز هم نخواهند توجه کنند به اینکه ما در مورد اینگونه اسامی چه گفته ایم .

پیغام از صفحه ۱۰

" اطلاعات پنجشنبه ۲۶ تیر ۵۹ اساسی ۱۵۰ ساواکی را اعلام کرده ۹۸ نفرشان در لیست پخش شده از طرف سازمان ما آمده است ( تکندهمین ۵۲ نفر دیگر که در کتاب نیامده از جمله " عده " زیادی افراد معمولی جامعه که نه الزاماً جزو مبارزین بشمار میروند و نه ساواکی بوده اند " باشند؟! )

" کیهان پنجشنبه دوم اسفند ۵۸ اساسی ۹۲ ساواکی را اعلام کرد، که اساسی و مشخصات ۵۳ نفرشان در لیست مورد نظر هست .

" جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۵ خرداد ۵۹ . اساسی ۳۹ نفر ساواکی را که از سه دانشکده تهیه شده اند را اعلام کرده ، ۱۵ نفرشان در لیست آمده است .

" کیهان سه شنبه ۳۱ تیر ۵۹ اساسی ۲۶۵ ساواکی کرمان را اعلام کرده ، اساسی و مشخصات ۲۲۹ نفرشان در کتاب آمده است .

" کیهان شنبه ۲۸ شهریور یکشنبه ۲۹ تیر ۵۹ اساسی ۴۲۰ نفر ساواکی را اعلام کرده که ۲۷۱ نفرشان در کتاب هست .

" اطلاعات شنبه ۲۸ خرداد ۵۹ اساسی ۹۳۰ ساواکی را اعلام کرده ۶۶۲ نفرشان در کتاب آمده است .

" وبلاخبره اطلاعات یکشنبه ۱۵ تیر ۵۹ . از قول " یک مقام آگاه در کمیته باکسازی مرکزی " می - نویسد که کارمندان ساواک در بخش بودند یکی پرسنل ساواک و یکی منابع ساواک . و جالب توجه همه " مسئولین " و " مسئولین " از هاشمی رفسنجانی تا " زحمت "

که : " منابع ساواک تقریباً همان افرادی هستند که در کتاب ۸ هزار ساواکی " که چندی پیش انتشار یافت نام برده شده است .

آنها زمان آن نرسیده که بخود آشفته آنها وقت آن نشده رفقا ! که به خاطر نجات خود و جنبش خلق در غم خود

بگاوید و با آن اشکالات عمیقی که شما را وادار به اینگونه موشکیریهایی میکنند مبارزه کنید؟ واقعیت این است رفقا که شما نه به خاطر دفاع از شما زمین زندانی " که نام حتی یک نفرشان در این لیست نیامده ، بلکه به خاطر در غم دیدن اشتباه آمیز گروه های خود در قبال سرد تبلیغاتسی احتمالی این کتاب ، چنان مواضعی گرفتید . و این از نوشته های بنان هم پیدا بود : " اتحادیه می خواهد سه حیثیت و اعتبار را کذب برسد . اتحادیه برای " مشهور شدن این برنده " رو کرده و ... " ( " زحمت " همان شماره ) و این آن چیزی است که میگوئیم اشکال ایدئولوژیک و عمق فاجعه .

مردم در همان روزهای جنجال آفرینی دولتبان و " فدولتبان " علیه این کتاب علمبرغم شما شهادت داده از طرف همه از جمله شما رفقا بفرستد این کتاب شد ، " مندرجات کتاب را مدد در مقابل استناد " دانستند و به دفاع از آن و مبارزه علیه ساواک پرداختند . دولتبان نیز بلاغریه مجبور شدند علمبرغم همه " خود به غربت زدنها و مواقع ارتجاع ایشان علیه این کتاب اعتراف کنند که کتاب سندیت دارد ؛ و حال نوبت شما رفقا است که یکبار رهم شده در پشتگاه این مردی که اینهمه مدعی نمایندگی شما هستید اما دقانه بگوئید چه انگیزه هایی شما را وادار به گرفتار

این چنین مواضعی انحرافی کرد ، شما را به چنین دامی غلطساک انداخت .

و حرف آخر اینکه ما حتی اسامی کتاب همانسان که شما مردم ساور و آگاه دیدید و گفتیم حرمانی علمه ما بر او افتاد . مزدوران ساواک که خود را در معرض بندگی دهنم مضم نسای مردم میدیدند ، به آمدن حاجت مسود هر روز چندین اعلام جرم علیه ما به مزاج قانونی و روزنامه های جمهوری اسلامی دادند ، شورای انقلاب که بدستی آنرا با بدشورای مداخلت ناسید و سرگردگانش رفسنجانی و بهشتی دولت موقت . همه در اسامی دعوا به موسس و آگ مومع گرفتند و بسیاری دیگر ، و از همه بیشتر و بیشتر رهبری سازمان چریکهای فدائشی خلق نیز به اس حرمان ارتجاعی دانستند ، و حال امروز که آنکه با بدروش شود ، روش گشته . ما - اتحادیه کمونیستهای ایران - که به پاس مسئولیتی که در قبال شما مردم و انقلابتان احساس میگردیم ، لیست مذکور را انتشار دادیم . در پشتگاه شما مردم علیه شورای انقلاب ، رهبری حزب جمهوری اسلامی ، دولت جمهوری اسلامی و رهبران سازمان چریکهای فدائشی خلق اعلام جرم می - کنیم . و کماکان سراسر بهمن که بر انضای هر ذره از اسرار دشمن باای بلخیریم .

✽

پیغام از صفحه ۱۴

اما کسانی که امروز بر سر کار رند عین خیالتان نیست ! مگر ما را مسردم دم تعصیه انقلابی جامعه نزنند؟ حتی حالام که بعد از تجربه " عفو " آیت الله خمینی بر سر پا کساری سخنرانی میکنند لیست محدودی را منتشر میکنند ، بجای دستگیر کردن و محاکمه کردن آنها با زنجیرشان میکنند ، تا آزاد بره جانها - نشان ادا میدهند ! مگر هنوز ارتش جا بجا به مزدوران و شوطه کزان نیست . مگر فلاحی ها و ظهیر نژادها هنوز بر سر کار نیستند؟ دفعه " قبل آقای اسنادار بر سر مزار شهدا گفت کار چپی ها " و " منافقین " است و وقتی که کودتا کشف شد گفت : کار نظامی های کودتاچی بوده است ، آقای اسنادار از آن کودتاچی ها بود که کودتا را قبول خودتان رسوا کردید و گرفتید پس این اتفاق را که چیست ؟ هنوز شوطه کرو کودتاچی فراوان است ! راست هم همین است که دولت و دارو شده های حاکم انقلابی که نیستند هیچ ، به این شوطه ها و جناحها با هم می دهند دولتی که مظهر بیگانه ها را که در کودتا سابقه طولانی دارند و عمری است که کسب جا بسوزانده ضمانت مالی (!) آزاد میکنند ، دولتی که هنوز خسرو نقاشی و مدنی را آزاد گذاشته است ، دولتی که هندستان آنها را مثل دکتر آریست در محبس حلوا حلوا میکند بطور می توان انداخت انقلابی عمل کند !

مردم ما با بدوشها ربا شده ، آمریکا و مزدوران جناحینکارتش بیگانه رنم - نشینند آنها مرکشان در هوشیاری و بیداری ما است ، مردم ما بدیده خودتان میکنی با شدند و با انقلاب طرف شوند ، با بد متحد شوند ، صلح شوند و ما ده جنگ سنا



### چه کسانی از انزوای انقلاب ایران وحشت دارند؟

رحمتگان (!) برخوردارند. سیاست دیگراگزوروق های برنخلو و جوش آب و رنگ را کنار میزنیم. برای جنبش رها شمشیر مردم ایران دو راه بیشتر موجود نیست: یا با بدستلم امپریالیسم جنایتکار آمریکا و هم پیمانانش شده و یا با بدرفتاری و ستمهای امپریالیسم تهاورگروس و همدستانشیرا پذیرفت. اما تصمیم اتخاذ کردیم از این دوران دوراه. یا سه قول نشریه کشید یا نشده. گناره جوشی از این هردو جهان در حکم سرمشگر کردن از آخرین دستاوردهای مملوین و سازگت به نفرو مقب ماند. کی ماقبل تاریخ است. امری آختر ناممکن. که تاکنون به ذهن احدی نرسیده است.

### توطئه برای اخراج کارگران مبارز، هرگز!

کاسه داغ سزاوارش شده و سنگ تصفیه و پاکسازی را به سینه خود میکوبند! این فرمت طلبان که پس از انقلاب خوشبختی ملت ایران یکی پس از دیگری سر و گشته شان از اروپا و آمریکا ظاهر شده اند فروردین ماه ۵۹ با اعلام یکجا تعطیل کارخانه تعدادی تشنگان را در میان رزکارخانه را تعطیل نموده و عده ای از کارگران را بدینها نه ما زاندا اعتراض اخراج نمائند. لیکن مقاومت یکبارچه کارگران برنامهای مداخلاتی آنان را نقش بر آب کرد. اینک که شرایط عمومی برای اجرای نقشه های شوم آنها مهیا شده با اخراج عده ای از کارگران و کارمندان مبارز کارخانه در "لبست سری اول" تصمیم دارند که مقاومت کارگران خود را به مرحله اجرا گذارند!

**شوراهای انقلابی کارگری کانونهای ادامه انقلاب و مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داران و سازشکارانند. طبقه کارگر هر گونه تعرض به شوراهای کارگری را محکوم میکنند.**

اوقا چه کسانی خدا نعلایی و خلاقه؟  
کارکنانی که بعد از انقلاب به تشکیل شوراها پرداخته تا بر سر نوشت خویش حاکم باشند.  
تا از با ندیازی های مدیریت و بهداشت حقوق های کلان به امتثال سروان اخلاقی ها (دامادانجم) جلوگیری کنند.  
تا از حریف و میل و تقلب حسن مدر در پرداخت ۲۸۵ ریال اما نه دستمزد کارگران ممانعت نمایند.  
تا توطئه کشی اخراج کارگران قرار دادی را توسط مدیریت خنثی کنند و بطوریکه مدیریت را جهت راه اندازی کارخانه تحت فشار قرار دهند.  
تا در مقابل همه زورگوشی ها و خودسری های مدیریت یکبارچه ایستادگی نمایند. آنها فاقد روح انقلابی و اخلاقی اند و مدیریت چونکه که بی شرمانه طس اطلاعیه ای هرگونه پشتیبانی بحق کارکنان را در مورد افراد غرضی شدیدت به سرکوب میکنند!

**حقیقت**

**ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران را بخوانید و پخش کنید**

ما مطمئن داریم که کارگران و کارکنان آگاه هیچگاه از افراد ساواکی پشتیبانی نکرده بلکه این تهدید فقط در رابطه با پشتیبانی کارکنان از عینا مر مبارز و خرابی است.  
ما اعتقاد داریم که اگر امروز از طرف مدیریت در کنار ساواکی ها قرار گرفته ایم و از حق کار کردن در تمام ادارات و کارخانه نجات دیگر محروم گشته ایم و ما را در کف خدا نعلایی و اخلاقی غور کرده ایم فقط و فقط به خاطر دفاع از منافع کارگران و کارمندان بوده است که این امر خوشایند دشمنان و اقمی ما یعنی ما میان سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نمی باشد!  
ما ضمن جدا نمودن صد خود را و آگاهی که از ابتدا پیگیرانه در پی تمثیل و اخراج آنها بودیم از ما می کارگران و کارمندان مبارز چونکه انتظار داریم با آنها دیگر چه به افشاء توطئه های شوم مدیریت و انجمن اسلامی و عینا مسر خود فروخته دیگری که دشمنی آشنی ناپذیر خود را با کارگران و رحمتگان با راهارها به اشبات رسانیده اند. پرداخته و مانع اجرای مقاومت کارگری مدیریت در اخراج تعداد بیشتری از کارگران و کارمندان مبارز و انقلابی چونکه شوند.

اتحادیه گانگنی یا بیست محکمی است بر پروژه مدیریت و همنه دشمنان و اقمی کارگران و رحمتگان!

- گروهی از کارگران و کارمندان اخراجی چونکه
- ۱ - محمدعلی معبودزاده
  - ۲ - غلامحسین مهروردی
  - ۳ - محمدباقر مادی عیانی
  - ۴ - سلطان طوزانداز
  - ۵ - مصطفی رضا پیش







اخباری از  
شهرستان

# باز هم انفجار باز هم هشدار!

بسیار دیگری در اهواز منفجر شده و تعدادی دیگر از مردم ما شهید شدند. باز هم تنگنای روبا زهر ریخته شدن خون مردم زجر کشیده ما. و این بار درست در جایی که کارگران سیگا روبا غمناکی جمع میشدند! مردم ما از خود می پرسند این جنایات که بومی از تنگنای و چشم و در دو کینه برانگیزنده کار چه کمائی است؟ چه کمائی بجز خبیث ترین دشمنان ما؟ چه کمائی بجز مزدوران آمریکای جنایتکار، بجز ساواکهای جلاد، بجز هسته های غدا انقلابی که با سران مزدور و ارتش و کودتا چنان آمیخته دست دارند؟ چه کمائی بجز مزدوران دولت فاشیست عراقی؟ بجز مزدوران اشغال بختیسا و اوبسی این نوکران خلقه بگوش و بی اختیار آمریکا؟ مردم ما از خود می پرسند چرا این جانباختن بدین کارها دست میزنند؟

آیا این توطئه ها هدفی بجز ایجاد ناامنی و فضای وحشت و اغتشاش دارند؟ آیا این انفجارها و کشتارها بجز برای برهم زدن وحدت مردم، بجز برای ترسان کردن مردم از انقلاب، بجز ایجاد بیسود و دل سردگی از انقلاب و فرا هم کردن زمینه توطئه های کودتاها می باشد؟ مردم با پدهوشیسا ر

اما آمریکا و عمالش در خارج و داخل برآستی گمان کرده اند مردم نهرمان ما که در برابر ارتش و شویب و تانک شاهی ایستادند، رژیم محمد رضا شاهی را بر سر کنون کردند و ما را آخره هم میوه کشتیش را به درک واصل کردند، مردمی که دهها هزار شهید دادند از این کشتارها که مرغان غم میشدند؟ البته آمریکا کور خوانده است!

مگر نمیتوان ساواکها را معذوم کرد، ریشه های فاشیسم را کند و رسته های غدا انقلابی آنها را نابود کرد؟ مگر نمی توان تمام آن ریشه های داخلی را که آمریکا بجا جنایتکارانه آنها تکیه میکند از میان براند؟ مگر نمی توان به حساب ارتش شاهی و سران مزدورش ریشه ها را مکنون می شود چرا که امثال بختیار مزدور و مفلوک کاری از پیش نرسد؟ مگر نمی شود چنان در برابر دولت مدام حسین فاشیست ایستاد که جرات چنین جنایاتی را نداشته باشد؟ مگر...

## انحلال

### شورای اسلامی صنعت نفت را محکوم میکنیم

شورای مرکزی صنعت نفت پس از مبارزه و تکرار با سائ رژیم فاشیستی پهلوی و افراد خدا نعلانی که در مدیریت هستند سانس مدکارگری مانند... های خدا انقلابی حاکم موردیوش شدیدی قرار گرفت اول توسط شاهی - سائ ورفنی - مدنی و منتخب معین فرابین سائ ورفنی ساواک - مورد حمله سراسر گرفت و هم سائ های شور را اخراج کرد و موج با رمانتی و سنی را در شرکت نفت بی وجود آورد و با دوستان انقلاب اسلامی حوزستان مانند سائ - انحلال - شوراها در کرد و با سائ و رواجیت سائ را از اهواز طاعری اما منجمه اهواز از آن پشتیبانی کردند. در اعلامیه ده دستان آمده است که سورا "بیشتر از هر عامل دیگر در جهت ایجاد در کودتو و وقوع نیرکا و فتنه نفت و فتنه شریانی حیاتی سنگت است".

کارگران نهرمان!  
در کجا شرکت نفت کاریش دجا رونق ورکود شده است و ما حرمان سرساز حیاتی مملکت قطع شده است که شورا عامل آن مانند؟ ما که در شرکت نفت کار میکنیم میباید تمام کمکاری وجود ندارد که شورا آنرا وجود آورده ما پس آقای سادقی دادستان انقلاب دروغ گوئی شما چه چیزی را سرسازید سائ دشمنی با کارگران و شورای مبارزان، خیانت بکنید و بگوشید ما شورا دشمنی داریم چون شورا: نزیه و افشا کرد تا مل میسی در سرون کردن وی بود که بعد ما بت شد و نزیه به بختیار ریجوست، غنا سر مدیریت فدا سیاسی

و فدا انقلابی که ما فرمانداری نظامی همکاری میکرد اخراج کرد و آب و سوری آنان را قطع کرد. فکتر صدوری کلام بود و فرساده دادستان کل استیلا اسلامی آقای فدوسی را افشا کرد و مدارک فراوانی درسی اسامی وی برای پاکسازی شرکت نفت در دستور آورد و بزرگ مجمع عمومی در حضور تعداد زیادی از کارگران اورا امضا کرد. معین فرابین بهره شایع شده و افشا کرد و از همان استبداد سلطوی سیاستهای فدا انقلابی وی ایستاد و در نتیجه جلوی منتخین معین سائ که سیاسی جزایست "نفره سنا" و حکومت کن نداردند ایستاد.

آقای دادستانی شما که با واتک ها را که ده دستان انقلاب سرستی کنند آزاد میکنند چه حقی دستور انحلال شوراها در میکنند؟ و ما حاشه روحانیت مبارزان!!! ما سائ کندان مبارزان که از دستور مادی سائ یانی میکنند. مگر با سائ و رواجیت سائ که از مدنی پشتیبانی کرد و سائ کشتار خلق عرب توسط مدنی محاسبه

کندارد. مگر با سائ و رواجیت سائ که از نزیه طرفدار میگرد. مگر با سائ که روحانیت نموده که از سائ رمان فراری پشتیبانی کرد!!! شورای صنعت نفت تاکنون به عنوان یک ارگان مدام میریالیستی عمل کرده و اسباب فاشیسم است و ما سائ و رواجیت سائ نمی جیبند از هر کار و کشتی و روگردان نبودند به هر نحوی که شده تمدخو آسان شدن این کارخانه را داشته و در نتیجه ما خریدن بیلت خنک (بیلت خنک: مواد اولیه ای که در تولید کابریا نه میخورند و آتش شکنند است و دستکاه را می خورد میکند) چه خواسته های

## کارگران گروه صنعتی فولاد افشا میکنند

در رژیم گذشته که این گروه "گروه صنعتی فولاد" درست رمانتی کشید بود و رمانتی خودش برای خودش حکومتی بود عمالشی که شیوه جان کارگران را می کشیدند و اکثری را می کشیدند. و در موقع انقلاب کارگران را به ایستادند می کشیدند که اگر تمام بکنند و کارخانه ما با حکومت نظامی است خموسا تمینس مغاری "و بعد از انقلاب همین آقایان سائ اسلام برین کرده، اکثری توجه های خود را درون شوراها کارگری جای دادند. و مشغول کارهای فساد انقلابیشان شدند.

این کارخانه که از نظر اقتصادی اهمیت زیادی دارد در اهواز و رمانتی همانندندارد. این مدیران، چه مدیران سابقش که حتی پول برای رمانتی کشید میفرستادند و پول کارخانه تیرا جن از خارج می خریدند (خود گروه تیرا جن تولید میکنند) و بدین وسیله به کشورهای خارجی از نظر اقتصادی کمک میکنند، به کشور ما لطمه میزنند. در این جریان سائ و رواجیت سائ میزنند، از هر کار و کشتی و روگردان نبودند به هر نحوی که شده تمدخو آسان شدن این کارخانه را داشته و در نتیجه ما خریدن بیلت خنک (بیلت خنک: مواد اولیه ای که در تولید کابریا نه میخورند و آتش شکنند است و دستکاه را می خورد میکند) چه خواسته های

بلیه در صفحه ۵

کندارد. مگر با سائ و رواجیت سائ که از نزیه طرفدار میگرد. مگر با سائ که روحانیت نموده که از سائ رمان فراری پشتیبانی کرد!!! شورای صنعت نفت تاکنون به عنوان یک ارگان مدام میریالیستی عمل کرده و اسباب فاشیسم است و ما سائ و رواجیت سائ نمی جیبند از هر کار و کشتی و روگردان نبودند به هر نحوی که شده تمدخو آسان شدن این کارخانه را داشته و در نتیجه ما خریدن بیلت خنک (بیلت خنک: مواد اولیه ای که در تولید کابریا نه میخورند و آتش شکنند است و دستکاه را می خورد میکند) چه خواسته های

بلیه در صفحه ۱۱







"انقلاب مرهنگی" ما سیده "افزایشی  
شوند" پرداخت ما سطح نیروهای  
مولده به درده لازم برای سوسا لیم  
رشد نماید. لیوننا لوجی سرمدنا رایس  
خط بنی سورزوانی سود و آقسای  
تنگ سبایتک میردرا این حرکت وی

## دفاع از دستاوردهای ما نوشته دین دفاع از ما رکتیسم - لنینیسم است

ارمنها آخر...  
غاص کنونی تهریح قیمت مسکن  
ندارک برای یک بیورش کمزوره برعکس  
منی انقلابی رفیق ما نوشته دین.  
این آقا یان یک چیز در دست  
نقد اند. "انقلاب مرهنگی" حقیقتا  
"مصیبت بزرگی" بوده است. اما سیده  
برای کارگران و خلقهای چس، بلکه  
برای امتال خود این آقا سیمان.  
"انقلاب مرهنگی" یک دستاورد بزرگ  
به عطف برای حزب کمونیست و کارگران  
چس، بلکه برای تمام کارگران و  
کمونیست های جهان بنما رکتیسم و  
دسا وردی است که ما رکتیسم -  
لنینیسم را عشی بخشیده مرکز جنبه آن  
ا بروده است. این انقلاب که بر اساس  
مصمندی از دلایل شکست سوسا لیم  
در آنجا دما هیرو شوروی برپا شد، هدمش  
کوبیدن سورزوانی و یگا را سدا بخش  
خلانیت سوسا لیمتی کارگران نبود.  
رفیق ما نوشته دین با درس کیمیری از  
شکست سوسا لیم در شوروی و زوری کار  
آمدن روبرو شویم در این کشور به این  
مصمندی رسید که مبرزه طبقا سوسی  
میان کارگران و سورزوانی، سدنما  
در دوران ما احتان سوسا لیم کا عش  
سپاه و زمین نمی رود، بلکه سیده  
اشکال جدیدی ظهور کرده و شدت می  
گیرد و شما دما میان سورلنا ربا و سورسور  
زوانی، شما دما در دوران ما احتان  
سوسا لیم بوده و حزب طبقه کارگر  
سپاه عوشاری نما برای از میان  
برداشتن این دشمنان سرخبرده را شو  
سده دین اعلام داشت که این شما دشمن  
صباره و عشی، یکی عشی سورزوانی  
و دیگری عشی پرولناریائی طهرسور  
گردد، در سبارزه عشی در دوران حزب  
لیونر میماند، از این سوسا نوشته دین  
لمه تهرحلات خوشی را بر علیه "ستساد  
فرماندهی سورزوانی در دوران "حزب"  
دمرگ رساخت و فرمان بدنا بودی این  
شنا دشمنان، لاکن سورزوانی درون  
حزب، بر این طبقه بوده که شمساده  
عده دشمنان در عشی سورزوانی و  
پرولناری، بلکه میان نیرو سوسا  
بوده "عقب مانده" و روایت تولید  
"پسرتی" بوده در نتیجه سوسا لیم

و از این سوسا کناری حربه، ارتکاب  
نظرات سوسی های سورزوانی ساد س  
طور سدا و در سورسورکا و در ارتکاب  
همراه با ردودن با سدهای مادی رسد  
سورزوانی در عربه، اسما دوسا س  
نهمین بوده بود انقلابی که فدرت را  
عده سده کارگر مدهد، دیکر کفا س  
نمیکنند، با سدا انقلاب دیگری را سیر در  
زمینه، در هم کوبیدن سورزوانی در  
درون حزب آغاز کرد. "انقلاب مرهنگی  
پرولناریائی چس" چنین مضمونی را  
دشمنان میسود، این انقلاب داروسه  
لیوننا لوجی را از مصمندی سوسا  
کشید و خلانیت کارگران را نکوفا ساحت  
و کا مسزگی بود در جهت تخم و عشی  
منا سبات سوسا لیمتی.

لاکن مرگ رفیق ما نوشته دین  
مجال آنرا دما این انقلاب را سید  
سرا دما بر ما ندوبا مصمندی از در زوان  
این انقلاب، آنرا ارتقاء دهد، پس از  
مرگ ما نوشته دین، داروسه سوسا  
روبرو سوسی که هسور در حزب بودند،  
یک کودتای خائفانه روبرو سوسی را  
انجا دما دندوبا ندوها کومک - تنگ  
سپاه تنگ بر سر کار آمد، این سنا در  
همان آغاز دشمنی خوشی را با ما شو  
شده دین و انقلاب سوسا لیمتی آشکار  
ساخت وجه در برده، داخلی وجه خارجی،  
یک سسی یکدست روبرو سوسی را در  
پیش گرفت و کا مده کا مده احنا، سنا  
په داری در چنین همت گمناشت و اسروز  
شیر آنگار را به ما نوشته دین و سوسا -  
وردهای تاریخی از حزب کمونیست  
چس رگا رگان چس جمله یکد

دفاع از دستاوردهای تاریخی  
ما نوشته دین وظیفه هر کمونیست  
انقلابی است و این وظیفه بر سسزه در  
زمانی که این دشمنان در راه این چس  
بزرگ سوال کشیده شده راه سوسا  
فرارانی بروردار است، روبرو سوسا  
شیت های چس امروز برای لگد مال  
کردن دشمنان و دهای ما نوشته دین س  
یکدیگر سفت میسود و روبرو سوسا  
های روسی سوسا لیمتی سس احکام  
را در برود ما نوشته دین مادر کرده است  
و بی جای سنا دار که بر سس  
کمونیستی خودمان سنا دما در دشمن  
همین احکام مدهما رکتیسم کردیم و  
سینوی و عوا تنیم که ما نوشته دین ار  
فرار "مبارزه طبقه ای" را "حزب در کت"  
نگرده بود، برای این قبیل احکام  
لفظ روبرو سوسی خا و ترو سسکیم ها  
گله سسند و پس، در این باره عا سنا  
هم خوا سیم نوشت.

\*\*\*

## گزارشی از مبارزه کارگران تراکتور سازی تبریز

ارمنی مثل درک مانع ما س  
سده بود که سفت کمبود سوزی و س  
سکی سفت سس سنا کار سس  
مخمل خواهد شد. روبرو سوسا  
۵۹/۵/۸ ساعت ۱۵ صبح مده سنا  
سود که کارخانه از روز، سنا در  
سک، همه مصمل خواهد بود، سنا  
که از کارائی سنا م آورد سنا  
آمده در سوسا را عا عه عوی عه  
سنت، سنا سنا در سنا سنا  
مکتب سس سس سس سس سس  
سنا زوری دوسا سنا سس سس  
همگی در سنا سس سس سس  
برامرو سس سس سس سس سس  
آمده، سس سس سس سس سس  
ر سس سس سس سس سس سس  
اعلام کرده بود سس سس سس  
سس سس سس سس سس سس  
اعتراضات سس سس سس سس  
ساعت ۱۲ جمع کارگران سس  
امراض سس سس سس سس  
کارگران در سس سس سس  
ما سنا سس سس سس سس  
لرود سس سس سس سس سس  
و اسنا، سس سس سس سس  
با سس سس سس سس سس  
و سس سس سس سس سس  
شس در سس سس سس سس  
سنا سس سس سس سس سس  
که سس سس سس سس سس  
سنا سس سس سس سس سس  
و سس سس سس سس سس  
در سس سس سس سس سس  
سنا سس سس سس سس سس  
که سس سس سس سس سس  
سنا سس سس سس سس سس  
سنا سس سس سس سس سس  
سنا سس سس سس سس سس  
سنا سس سس سس سس سس  
سنا سس سس سس سس سس

